

Governance and development of economy of cultural; Comparison of Iran and developed countries

Ardeshir Entezari  -

Associate Professor of Sociology, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Fatemeh Derakhshan 

PhD Candidate of Cultural Sociology,
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Abstract

According to the prevailing approach to development, in recent decades, the path of growth, at various micro and macro levels, is through the production and focus on high value-added industries such as cultural industries. Planning and management in the process of production, distribution and consumption of cultural products is one of the most well-known and important tasks of governments in the world, which is mentioned as the main axis in the development of economy of the culture. According to new approaches, government role-playing in economy of culture needs characteristics to facilitate the development process. One of the most important of these indicators, which is based on the existence of institutional infrastructure, is the combined indicators of good governance. The purpose of this study is to investigate the relationship between good governance indicators and the development of countries' economy of culture. Therefore, by using the method of comparative-quantitative analysis among 20 developed and grown countries in economy of culture and Iran, the development of economy of culture and good governance has been studied. The results show that Iran's economy of culture and good governance indicators are far from developed and grown countries, and this indicates the underdevelopment of Iran's economy of culture. Also, the results of correlation analysis and multiple regression show that there is a direct relationship between the index of good governance and the development of the economy of culture of these countries and with an acceptable intensity ($R^2 = 0.50$).

Keywords: Economy of Culture, Cultural Industries, Governance, Good Governance, Development, State


- Corresponding Author: entezari@atu.ac.ir


How to Cite: Entezari, A., Derakhshan, F. (2021). Governance and development of economy of cultural; Comparison of Iran and developed countries, *Quarterly Journal of Social sciences*, 28(93), 35-83.



حکمرانی و توسعه اقتصاد فرهنگ؛ مقایسه ایران و کشورهای

پیشرفته

اردشیر انتظاری *  دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

فاطمه درخشان  دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

بر اساس رویکرد غالب در توسعه، در چند دهه اخیر، مسیر رشد، در سطوح مختلف خرد و کلان از طریق تولید و تمرکز بر صنایع با ارزش افزوده بالا نظیر صنایع فرهنگی می‌گذرد. برنامه‌ریزی و مدیریت در فرایند تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی از شناخته‌شده‌ترین و مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در سطح جهان است که از آن به‌عنوان محور اصلی در توسعه اقتصاد فرهنگ جوامع یاد می‌شود. طبق رویکردهای جدید، نقش آفرینی دولت در اقتصاد فرهنگ نیازمند شاخصه‌هایی است تا از این طریق فرایند توسعه تسهیل گردد. یکی از مهم‌ترین این شاخصه‌ها که مبتنی بر وجود زیرساخت‌های نهادی است، شاخص‌های ترکیبی حکمرانی خوب می‌باشد. هدف مطالعه، بررسی رابطه میان شاخص‌های حکمرانی خوب و توسعه اقتصاد فرهنگ کشورها می‌باشد. لذا با به‌کارگیری روش تحلیل تطبیقی - کمی در میان ۲۰ کشور توسعه‌یافته و رشد یافته در اقتصاد فرهنگ و ایران، توسعه‌یافته‌گی اقتصاد فرهنگ و حکمرانی خوب مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اقتصاد فرهنگ ایران و شاخص‌های حکمرانی خوب فاصله زیادی با کشورهای توسعه‌یافته و رشد یافته دارند و این معرف توسعه‌نیافتگی اقتصاد فرهنگ در ایران است. هم‌چنین نتایج تحلیل همبستگی و رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که میان شاخص حکمرانی خوب و توسعه اقتصاد فرهنگ این کشورها رابطه مستقیم و با شدت قابل قبولی ($R^2=0.50$) وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد فرهنگ، صنایع فرهنگی، حکمرانی، حکمرانی خوب، توسعه، دولت.

طرح مسأله

با گذشت زمان نقش فرهنگ و اقتصاد فرهنگ در پیشرفت جوامع بیشتر و در تولید ثروت اقتصادی و سرمایه فرهنگی برنامه‌ای راهبردی گردیده است. اقتصاد فرهنگ هم‌زمان توسعه اقتصادی و تولید ثروت از طریق تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی و توسعه سرمایه فرهنگی یعنی رشد معرفت و دانش را در بر می‌گیرد و از این طریق می‌تواند عامل مؤثری برای شکوفایی استعداد های انسانی در سطح خرد، رشد و ارتقا خرده فرهنگ‌ها در سطح میانه و توسعه و پیشرفت جامعه و ارتقاء ضریب نفوذ فرهنگی کشورها در روابط بین‌المللی و تبادلات فرهنگی فراملی در سطح کلان باشد (Parchami & Derakhshan, 2019:2). امروزه دارایی‌های فرهنگی ملی اعم از آثار، محصولات و میراث فرهنگی به‌عنوان قدرت جایگزین در اقتصاد سیاسی کشورها شناخته می‌شود. سازمان ملل متحد (یونسکو) از اوایل قرن بیست و یکم، به‌طور رسمی فرهنگ را به‌عنوان یکی از متغیرهای ضروری توسعه اقتصادی اعلام و بر نقش آن در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشورها توسط دولت‌ها تأکید کرد (UNESCO-UIS, 2012).

از طرفی با وجود تغییرات سریع و دگرگونی‌هایی ناشی از پیشرفت علمی و فناوری در جهان امروز که از نتایج آن پدیده جهانی شدن یا به‌اصطلاح فراملی شدن است، همه ابعاد جوامع و مناسبات بشر را به‌طور کلی تغییر داده و موجب تغییر معادلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گشته است. دولت‌ها نیز از این تأثیر مستثنی نشده‌اند (Entezari, 2012:2). به‌طوری‌که برخی متفکران (بارب، هرشت، تامسون و ...) دولت و نقش آن را در این شرایط در جوامع رو به اضمحلال می‌دانند؛ اما برخی نیز از جمله تحول‌گرایان (گیدنز، کاستلز، هلد و ...) معتقدند که دگرگونی‌های پدید آمده، مسئولیت‌های جدید و متفاوتی برای دولت‌ها ایجاد کرده است (Held & McGrew, 2007: 74) به‌طوری‌که آن‌ها در این نقش جدید، به‌تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جدید و گسترده‌ی حاصل از دگرگونی‌ها را نخواهند بود و نیازمند الگوهای جدیدتری هستند. الگوهایی که بر اساس آن بتوان از تمام ظرفیت‌های جامعه در بخش‌های مختلف خصوصی، مدنی و مردمی

استفاده نمود تا نیازهای جامعه تأمین و در نتیجه جامعه در مسیر توسعه قرار گیرد. بر این اساس، در رویکردهای جدیدتری نظیر نهادگرایی جدید، با تأکید بر عنصر شفافیت، کارایی، پاسخگویی، دولت را دارای نقش بیشتری در فرایند توسعه در قالب دولت تسهیل-گر دانسته و بر سیاستگذاری توسط آن تأکید می‌کنند (North, 2006).

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در فرایند تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی از شناخته‌شده‌ترین و مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در سطح جهان و از آن به‌عنوان محور اصلی در توسعه فرهنگی با محوریت صنایع فرهنگی جوامع یاد می‌شود. طبق گزارش اولین نقشه جهانی صنایع فرهنگی و خلاق^۱ در سال ۲۰۱۵ که تنها گزارش جهانی در مورد اقتصادفرهنگ است، اقتصادفرهنگ در اغلب کشورهای پیشرفته‌ی جهان از جمله آمریکا، کانادا، استرالیا، انگلیس، چین، کره، آفریقای جنوبی و... یک صنعت بسیار راهبردی در اقتصاد ملی به شمار می‌آید و دولت‌ها نقش مهمی در آن داشته‌اند. بیشترین درآمد اقتصادفرهنگ متعلق به منطقه آسیا-اقیانوسیه با ۳۳ درصد از درآمد کل جهانی و پس از آن اروپا و آمریکای شمالی قرار دارند (Cultural times, 2015).

بر اساس آمارهای موجود اقتصادفرهنگ ایران در میزان درآمد حاصل از مهم‌ترین صنایع فرهنگی (که به‌عنوان فروش بنگاه به مشتری و بنگاه به بنگاه تعریف می‌شود) (Cultural Times, 2015: 13) مانند فیلم، کتاب، موسیقی، هنرهای نمایشی و هنرهای تجسمی فاصله زیادی با کشورهای توسعه‌یافته و حتی کشورهای مشابه خود مانند ترکیه دارد (جدول ۱). با وجود منابع و ذخایر غنی فرهنگی فراوان، سهم ایران در این بخش از اقتصاد بسیار ناچیز و نزدیک به صفر می‌باشد^۲ که نشان‌دهنده ضریب نفوذ کم در عرصه جهانی در حوزه فرهنگی نیز می‌باشد.

1. The first global map of cultural and creative industries

2. <http://www.mehrnews.com/news/3601575>

جدول ۱. مقایسه وضعیت اقتصادفرهنگ ایران با امریکا و ترکیه در سال ۲۰۱۸

Table 1. Comparison of Iran's economy of culture with the United States and Turkey in 2018

کشور	فروش فیلم (میلیون دلار)	فروش موسیقی (میلیون دلار)	فروش کتاب (میلیون دلار)	فروش بازی (میلیون دلار)	صادرات کالای فرهنگی	واردات کالای فرهنگی	درصد اشتغال فرهنگی
امریکا	۱۱۰۸۰	۵۹۱۶	۱۵۹۰۳,۶	۳۱۵۳۵	۲۷۸۶۷,۵	۳۰۳۷۸,۵	۸۲,۶
ترکیه	۲۳۰	۳۱۸	۱۵۷,۷	۸۵۳	۴۱۹۵	۱۴۲۵	۶۲,۸
ایران	۲۷,۹	۲۸	۲۶	۴۸۷	۶۵۵	۱۲۲,۵	۲۵,۷

منبع: نقشه جهانی صنایع فرهنگی و خلاق (۲۰۱۵)، تجارت فرهنگی جهانی^۱ (۲۰۱۵)، موسسه آماری یونسکو^۲ (۲۰۱۸).

ایران کشوری است که از دارای مواهب و میراث تمدنی و فرهنگی به‌ویژه در حوزه گردشگری است. بر اساس گزارش مرکز میراث جهانی یونسکو ایران از لحاظ گردشگری در ابعاد مختلف تاریخی، فرهنگی، طبیعی و مذهبی جاذبه‌های بسیاری دارد. به‌طوری‌که جزو ۱۰ کشور اول در تعداد میراث فرهنگی ثبت‌شده در یونسکو می‌باشد (UNESCO World Heritage Centre, 2020).

از سوی دیگر هرچند در جریان نوسازی و گسست‌های تاریخی تا حدودی از تاریخ تمدن ایرانی فاصله گرفته شده است لکن ذخایر تمدنی ایرانیان که عامل مهمی در پایداری اقتصادی و سازگاری با تحولات است بسیار غنی و زبانزد است و ظرفیت‌های عظیمی برای احیای فرهنگی وجود دارد که در صنایع متبلور می‌شود. لذا سوء مدیریت بر اقتصادفرهنگ و بخش‌های آن از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین موانع توسعه این بخش از جامعه می‌شود (Entezari & Derakhshan, 2018:4).

وضعیت فعلی ایران در ابعاد مختلف توسعه و نظم اجتماعی نشان می‌دهد که فاصله زیادی با کشورهای پیشرفته دارد. برای توسعه در اقتصادفرهنگ لازم است نظم در جامعه حاکم شود. این تغییرات نیازمند سیاست‌گذاری نظم‌محوری است که هماهنگی و هم‌سویی

1. The Globalisation of Cultural Trade

2. UNESCO Institute for Statistics

کارکردی نهادها با یکدیگر را مبنا قرار داده و بخش‌های مختلف اقتصادفرهنگ را اعم از تولید، توزیع و مصرف را به‌طور مستمر و متعادل در سطوح مختلف هدف‌گیری نماید (Parchami & Derakhshan, 2019:38). دولت به‌عنوان نهادی تأثیرگذار در مقایسه با سایر نهادهای دیگر نقش مهمی در ایجاد این تعادل و هماهنگی دارا می‌باشد. دولت می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین خرده نظام‌ها و نهادهای جامعه در ارتباط با نهادهای دیگر جامعه اعم از اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی طوری عمل کند، به‌عبارتی گردش و چرخش نهادهای دیگر را به‌گونه‌ای تنظیم کند که موجبات توسعه اقتصادفرهنگ یعنی تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی فراهم گردد.

نقش آفرینی دولت در اقتصادفرهنگ نیازمند شاخصه‌هایی است تا از این طریق فرایند توسعه تسهیل گردد. یکی از مهم‌ترین این شاخصه‌ها که مبتنی بر وجود زیرساخت‌های نهادی است، شاخص‌های ترکیبی حکمرانی خوب است. هرچند این شاخص‌ها مانند بسیاری از شاخص‌های جهانی دارای نقصان‌های روش‌شناختی است و نقدهایی نیز به اهداف سیاسی تدوین‌کنندگان آن‌ها وارد است، اما با این وجود، بررسی این شاخص‌ها و تأثیر آن بر توسعه اقتصادفرهنگ و توجه به وضعیت ایران از طریق آن‌ها، می‌تواند گام مؤثری در راستای شناخت وضع موجود باشد.

موضوع اصلی مطالعه حاضر این است که دولت‌ها به‌ویژه در جوامع توسعه‌یافته، در قالب ویژگی‌هایی نظیر حکمرانی خوب، به‌عنوان تسهیل‌کننده امور مختلف جامعه با همکاری بخش‌های مختلف، قادر به تسهیل فرایند توسعه اقتصادفرهنگ می‌گردند. این درحالی‌ست که اقتصادفرهنگ ایران توسعه‌یافته نیست و شواهدی نظیر تعدد نهادهای متولی فرهنگ و حضور انحصاری دولت در تولید فرهنگی نشان می‌دهد که دولت به‌عنوان نهادی تأثیرگذار در همه حوزه‌های جامعه ایران در مقایسه با سایر نهادهای دیگر نقش مهمی در این وضعیت داراست که ناشی از ویژگی‌های آن نظیر گستردگی، تصدی‌گری و دخالت بیش‌ازحد در حوزه‌های مختلف فرهنگی می‌باشد.

با این توضیحات، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه حکمرانی خوب و توسعه

اقتصادفرهنگ در ایران و کشورهای توسعه یافته در اقتصادفرهنگ با توجه به نظریه نهادگرایی با رویکردی مقایسه‌ای می‌باشد. لذا با توجه به این رویکرد، سؤال اصلی تحقیق این است که حکمرانی خوب در کشورهای پیشرفته از طریق چه سازوکارهایی موجبات توسعه اقتصادفرهنگ آن‌ها را فراهم کرده و حکمرانی در ایران در مقایسه با این کشورها در چه وضعیتی قرار دارد که منجر عقب ماندگی در توسعه اقتصادفرهنگ شده است.

پیشینه تحقیق

حوزه مطالعاتی اقتصادفرهنگ در ایران حوزه نوظهوری است که به دو دهه نمی‌رسد. بر این اساس مطالعات زیادی در این حوزه و به ویژه نقش دولت در آن انجام نگرفته است. برخی پژوهش‌ها در مورد تأثیر حکمرانی خوب در اقتصاد و توسعه به طور کلی می‌باشد که به علت پررنگ بودن مقوله اقتصاد از آن‌ها به ویژه برای تدوین بخش نظری تحقیق، سود جسته‌ایم. برخی مطالعات نیز در مورد دولت و صنایع فرهنگی است که در آن‌ها به برخی شاخص‌های حکمرانی خوب اشاره شده است؛ اما در مورد رابطه حکمرانی خوب و فرهنگ اعم از توسعه فرهنگی، صنایع فرهنگی و اقتصادفرهنگ مطالعه‌ای صورت نگرفته است. در میان مطالعات خارجی نیز در حوزه حکمرانی خوب پژوهش‌هایی در کشورهای مختلف انجام شده اما تعداد مطالعات متمرکز بر رابطه حکمرانی خوب و فرهنگ و اقتصادفرهنگ اندک است. در ادامه به معرفی برخی مطالعات نزدیک به این حوزه می‌پردازیم.

مسعودی‌نیا و رشیدپور (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان «راهبردهای مؤثر بر تقویت ساختار اقتصادفرهنگ ایران» از طریق اجرای مصاحبه کیفی با ۲۰ نفر از صاحب نظران و عوامل باتجربه علمی یا عملی در حوزه‌های گوناگون اقتصادفرهنگ، با توجه به نقاط قوت و ضعف اقتصادفرهنگ به بررسی راهبردهایی که موجب تقویت اقتصادفرهنگ می‌گردد پرداختند. نتایج تحقیق طی استخراج ۱۶ مضمون اصلی شامل موارد: «تدوین سیاست‌های کارآمد»، «گفتمان‌سازی»، «بهبود فضای کسب و کار فرهنگی»، «اصلاح قوانین حق مالکیت و تعهدات اجرایی»، «مداخله قاعده‌مند دولت و واگذاری به بخش خصوصی»، «قاعده‌مند

شدن حمایت‌های کارشناسی شده»، «ایجاد پایگاه‌های داده‌های دقیق» و غیره می‌باشد. بسیاری از مضامین با ویژگی‌های دولت تسهیل‌گر همخوانی دارد.

جهانیان (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش دولت در توسعه اقتصاد گردشگری ایران با محوریت اقتصادمقاومتی» با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش و جایگاه و ویژگی‌های دولت در توسعه یکی از مهم‌ترین صنایع فرهنگی می‌پردازد. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که حضور دولت در امر گردشگری و فراهم‌سازی زمینه‌ها و حمایت از آن ضروری است. با این حال تمرکز دولت بایستی در کنار حمایت، شرایط برای حضور بخش خصوصی و مشارکت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در این حوزه را فراهم کند.

حیدری و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان «دلالت‌های اقتصاد نهادگرایی جدید برای تجویز دولت مطلوب در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» با روش توصیفی-تحلیلی با تمرکز بر رویکرد نهادگرایی جدید به بررسی توسعه اقتصادی در ایران و نقش دولت در آن می‌پردازند. آنان معتقدند که اقتصاد نهادگرا با قائل شدن نقش نهادی و محوری برای دولت در توسعه، بیش‌از اندازه دولت و خصوصی‌سازی بر عنصر شفافیت، کارایی و پاسخگویی مداخلات دولت تأکید دارد و پیش‌شرط پیشرفت اقتصادی ایران منوط به حذف رانت نفت و تغییر جایگاه نهادی آن و جایگزینی منابع دیگر می‌باشد.

ابوترابی و بهرامی (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش دولت در توسعه اقتصاد هنر»، با دیدگاهی اقتصادی و با روش توصیفی-تحلیلی و نظری به بررسی مداخله دولت در بازار هنر می‌پردازند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که اگرچه دخالت دولت در بازار محصولات هنری مانند پرداخت پارانها از راه‌های متعارف است، اما در جهت ارتقای کیفی آن راهکاری مناسب نیست. دولت بایستی از طریق فراهم کردن شرایط مشارکت از طریق سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی از نارسایی بازار بکاهد.

زلنکو^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان «توسعه اجتماعی-فرهنگی و سیاست فرهنگی اوکراین» با رویکرد میان‌رشته‌ای و روش تاریخی به بررسی عملکرد دولت اوکراین،

1. Zlenko

تغییرات و اصلاحات و نقاط عطف اصلی شکل‌گیری سیاست فرهنگی و تأثیر آن بر توسعه فرهنگی می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم فراز و فرودهای سیاست‌ها و عملکرد دولت، دولت اوکراین با به‌کارگیری سیاست‌های متناسب با رویکرد جهانی در حکمرانی مانند مشارکت بخش‌های دیگر جامعه، ثبات سیاسی و غیره منجر به توسعه صنایع و میراث فرهنگی گردیده است (Zlenko, 2020:4-8).

اشنایدر و گاد^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان «حکمرانی خوب برای سیاست فرهنگی: مطالعه‌ای در مورد توسعه فرهنگی و هنری در آفریقا و اروپا» با روشی تاریخی-تطبیقی به بررسی رابطه حکمرانی خوب و تأثیر آن بر فرهنگ و فعالیت‌های فرهنگی و هنری در قالب سیاست‌های فرهنگی می‌پردازند. آن‌ها معتقدند که نقش سیاست‌های فرهنگی ایجاد و حمایت از ساختارهایی است که باعث ایجاد خلاقیت هنری و فرهنگی در مردم گردد و این نتیجه تضمین رفاه و نوآوری از سوی حکومت است. این اتفاق در اروپا و برخی کشورهای آفریقایی در چارچوب حکمرانی خوب صورت می‌گیرد. در این شرایط و زمینه مورد نیاز هنر، آموزش آن و آزادی عمل تک‌تک هنرمندان فراهم می‌گردد (Schneider & Gad, 2018).

لی و لیم^۲ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان «سیاست‌های فرهنگی در شرق آسیا: پویایی بین دولت، هنر و صنایع خلاق» با روش تطبیقی-تاریخی در میان کشورهای چین، ژاپن، سنگاپور، کره جنوبی و تایوان به بررسی روند تحولات سیاسی و حکومت و تأثیرات آن بر بخش فرهنگ و هنر می‌پردازند. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که با وجود برخی شباهت‌ها در سیاست‌ها و شیوه حکومت‌داری در کشورهای آسیای شرقی، اما تفاوت‌هایی نیز با شاخص‌های اروپایی و غربی در سیاست‌ها و حکومت‌داری در این کشورها وجود دارد (Lee & Lim, 2016).

ادکینسون و مکفرین^۳ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «فرهنگ و حکمرانی خوب: یک

1. Schneider and Gad
2. Lee and Lim
3. Adkisson and McFerrin

بررسی تجربی»، با استفاده از تحلیل رگرسیون به بررسی رابطه فرهنگ و حاکمیت با استفاده از داده‌های بانک جهانی در میان ۶۸ کشور می‌پردازند. آن‌ها در این مطالعه دریافته‌اند که در بیشتر موارد مؤلفه‌های فرهنگی نظیر دینی یا سکولار بودن جامعه و اقدامات فرهنگی در حوزه فرهنگ و هنر با شاخص‌های حکمرانی خوب رابطه قوی‌ای دارند (Adkisson & McFerrin, 2014).

مبانی نظری

رویکرد نهادگرایی و حکمرانی خوب

به‌طور کلی نقش دولت در جامعه با نظام اجتماعی‌ای که دولت در آن شکل گرفته، در ارتباط است. این نظام اجتماعی، طیف وسیعی از دیدگاه‌ها را در مورد نقش دولت از حداقلی تا حداکثرسازی دولت در جامعه را در برمی‌گیرد (Karmik, 1997:94). این رویکردها به‌طور تاریخی و تغییر شرایط اقتصادی و سیاسی جوامع دچار تغییر و تحول شده است از نقش حداکثری تا دخالت محدود و مشروط تعریف شده است. در نخستین رویکرد، نقش دولت‌ها در حداقل است و به‌عبارتی دولت نقشی در توسعه ندارد و نقش اصلی در رسیدن به توسعه بر عهده بخش خصوصی و بازار می‌باشد (Smith, 1776). بیشتر نظریات کلاسیک که به دولت کلاسیک نیز معروف است و نقش دولت را بیشتر از جنبه ارشادی و تسهیل‌کننده‌ی ساختار رقابت در بازار آزاد در نظر گرفته که در نهایت منجر به توسعه خواهد شد. در این رویکرد دولت حق ورود مستقیم در عرصه‌های مختلف را ندارد و به اشکال و شیوه‌های مختلف زمینه و بستر فعالیت‌های مختلف را فراهم می‌کنند (Shapiro, 2012). دسته دوم نظریاتی است که برای دولت اختیارات وسیعی قائل است که مصلحت جامعه را تشخیص می‌دهد و نقشی برای بخش خصوصی و بازار قائل نیست. دولت‌هایی که نقش حداکثری دارند، در مکانیسم‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌منظور حفظ تعادل عمومی و باهدف برپایی عدالت در جامعه دست به نقش‌آفرینی گسترده می‌زنند (Naderan, 2002: 39). دیدگاه سومی در بین این دو طیف ظهور کرد که همکاری و تعامل دو نهاد دولت و بازار، به‌جای تقابل آن‌ها را پیشنهاد داد و به‌عنوان

الگوی مطلوب ایفای نقش بازار - دولت در نظر گرفته شد. نظریه‌هایی نظیر دولت‌های کینزی، نهادگرایان جدید، دولت‌های توسعه‌گرا، حکمرانی خوب و ... که به نسبت دولت‌های حداقلی دخالت بیشتری برای دولت در امور قائل هستند (Pag, 2007; Fitzpatrick, 2006; Dadgar, 2013).

ظهور این دیدگاه باعث شد تا به مرور از تعداد دولت‌هایی که اصول حاکمیتی خود را مبتنی بر یکی از دو دیدگاه فوق‌تر قرار داده بودند، کاسته شود و در عوض بیشتر دولت‌ها در نقطه‌ای بینابین دو جایگاه مذکور قرار گیرند. به دنبال این اندیشه، رویکردهایی در مورد نقش دولت ظهور کرد که به آن به‌عنوان نهادی که کار هماهنگ‌کنندگی کارکرد نهادهای دیگر در جهت دستیابی به توسعه را داراست، شناخته شد. رویکرد نهادگرایی جدید، دیدگاهی است جهت بازگشت مجدد به مفهوم دولت و نهادهای آن در سیاست-گذاری‌ها. نهادگرایان نه تنها در شکست‌های بازار، بلکه در اصلاح نهادهای اقتصادی - اجتماعی و جریان‌سازی، نقش‌های بیشتری در فرایند توسعه برای دولت قائل‌اند و بیش‌ازاندازه‌ی دولت و خصوصی‌سازی بر عنصر شفافیت، کارایی و پاسخگویی مداخلات دولت تأکید دارند (Vahid, 2003: 65).

داگلاس نورث نماینده این رویکرد، معتقد است که دولت نه فقط حقوق مالکیتی را تصریح و اجرا می‌کند که به ساختار انگیزشی اصلی اقتصاد شکل می‌دهد و مقررات فراوان و همواره در حال تغییر که از سوی دولت وضع می‌شوند، مهم‌ترین عواملی هستند که عملکرد اقتصادی را تعیین می‌کنند (North, 2006). در این مکتب فکری هر دو نوع مداخله دولت به‌عنوان نهادی مکمل بازار و بخش خصوصی پذیرفته شده است، زیرا تنها لازم است که در نهایت مشکلات رفع شود. نهادگرایان هیچ‌گاه مالکیت خصوصی را نفی نکرده یا سازوکار بازار را منتفی نمی‌دانند، بلکه بر شکست‌ها و عدم کفایت آن تأکید دارند و از همین منظر دولت را مکمل بازار می‌دانند پیروان این رویکرد بر این باورند که در یک محیط نهادی هنجارها و قواعد از طریق دولت ایجاد می‌شود و در یک میدان سازمانی بر دیگر اجزای میدان سازمانی تحمیل می‌شود. این هنجارها و قواعد مانند الگوهایی چشم-

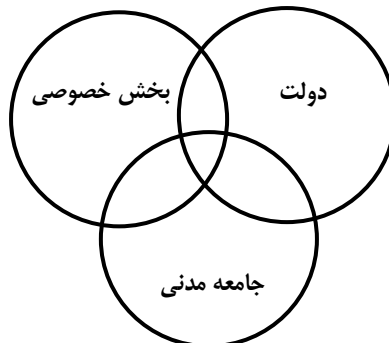
اندازه‌هایی برای کنشگران عرصه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی ایجاد کرده و آن‌ها را قادر می‌سازد که بر اساس آن قواعد به اهداف خود دست یابند (DiMaggio & Powell, 1991:1-13).

در این دیدگاه میان عرصه اقتصادی و سیاسی ارتباط قوی‌ای وجود دارد که به نظریه «توازن دوگانه» در نهادگرایی معروف است (North et al., 2006: 95). رسیدن به نوعی ارتباط سیاست و اقتصاد که بتواند شکل مطلوبی به بهبود فرایند توسعه در یک جامعه بیانجامد، نیازمند طرح‌ریزی درست و تشکیل نهادها و سازمان‌های مرتبط با آن است. از آنجا که فرایند توسعه قرار است برای عموم مردم جامعه، مطلوبیت را به همراه آورد، لازم است تا تشکیل یک نهاد، مبتنی بر چانه‌زنی جامعه مدنی (نهادهای مدنی) و فراتر از تصمیم‌های فردی باشد (Ghaffari & Radmard, 2017: 973).

در نسخه‌های اولیه این رویکرد نظری که بازیگر اصلی دولت است و توسعه یک کشور در گرو فعالیت‌ها و سیاست‌های اتخاذی دولت است. دولت‌های توسعه‌گرا مطرح می‌شوند. دولت توسعه‌گرا دولتی است که در آن عرصه سیاست به گونه‌ای است که دستگاه سیاسی در مرکز از عزم، قدرت، استقلال، توانایی و مشروعیت کافی برای شکل-دهی، تعقیب و تشویق دست‌یابی به اهداف توسعه برخوردار است و به این اهداف خواه از طریق ایجاد، ارتقا و حفاظت از شرایط رشد اقتصادی (در دولت‌های توسعه‌گرای سرمایه-داری) و خواه از طریق سازماندهی مستقیم اقتصاد (در دولت‌های توسعه‌گرای سوسیالیست) و خواه از طریق ترکیب متفاوتی از این دو دست پیدا می‌کند (Leftwich, 2006:63). از ویژگی‌های مهم دولت‌های توسعه‌گرا می‌توان به وجود اقتصاد صنعتی، رشد اقتصادی پایدار، بوروکراسی حرفه‌ای، آموزش و سلامت اشاره کرد (Chang, 2006; Doner et al., 2005; Jian-xing & De-jin, 2010). برخی نظریه‌پردازان از مفهوم یا ویژگی دموکراتیک در کنار دولت‌های توسعه‌گرا سود می‌جویند؛ اما به عقیده لفت و بیچ دموکراسی شرط توسعه نیست (Leftwich, 1998:63). این بدین معنا نیست که نظام‌های اقتدارگر توسعه‌گرا و یا اینکه برای توسعه‌گرا بودن لزوماً باید اقتدارگرا بود. بلکه دولت

برای پیشبرد توسعه در عین حال که می‌بایست رویه خودگردان و خودمدار را در پیش بگیرد، لازم است تا با گروه‌های مختلف اجتماعی (جامعه مدنی) رابطه داشته باشد. دولت توسعه‌گرا باید با گروه‌های اجتماعی داخل خود (وفاق نخبگان) و همچنین خارج از خود مجموعه روابط فشرده‌ای داشته باشد تا بتواند با همکاری آن‌ها پروژه‌های توسعه را به اجرا درآورد. در عین حال بدون استقلال از همه گروه‌های بیرونی، دولت به کارگزار آن‌ها تبدیل می‌شود و منافع آن‌ها در دستور کار درازمدت دولت قرار می‌گیرد (Evans, 2001: 24).

در نسخه جدید رویکردهای توسعه مبتنی بر نهادگرایی، بر این نظر تأکید می‌شود که تحقق توسعه در یک جامعه، مشروط به کیفیت حکمرانی، ایجاد فضای اعتماد میان دولت و شهروندان و دخالت آنان در امور نیز هست و برای توسعه شاخص‌های کیفی را بر شاخص‌های کمی می‌افزایند. نظریه پردازان دولت‌های توسعه‌گرا دولت را متولی اصلی توسعه و هرگونه توسعه در کشور را منوط به توسعه سیاسی آن می‌دانند (Leftwich, 2005: 223). از دهه ۱۹۸۰ موضوعی با عنوان حکمرانی خوب به ادبیات نظری توسعه توسط نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی افزوده شد. در رویکرد حکمرانی خوب، حق حکمرانی تنها به حکومت محدود نشده و متناسب با انواع حکومت‌ها، در اداره جامعه دارای شرکایی از قبیل جامعه مدنی، سازمان‌های غیرانتفاعی، شخصیت‌های مذهبی و غیره خواهد بود. بر این اساس حکومت بخشی از حاکمیت مطلق خود را به نفع مشارکت سایر نهادها در امر توسعه واگذار کرده و به‌نوعی به دولت دموکرات کارآمد تبدیل می‌شود (Chhotray & Stoker, 2009:90-97). در حکمرانی خوب شراکت بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در انجام فعالیت‌ها وجود دارد که گاهی فراتر از مشارکت است. روابط بین این سه جز به صورت تعاملی و دولت نقش اصلی را در برقراری این روابط دارد (UNDP, 2000).



شکل ۱. رابطه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در حکمرانی خوب

Figure 1. The relationship between government, the private sector and civil society in good governance

منبع: برنامه عمران ملل متحد (UNDP, 2000)

حکمرانی خوب از طریق مشارکت دولت با جامعه مدنی و بخش خصوصی ایجاد می‌گردد. در این فرایند زمینه برای مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها، شفافیت و پاسخگویی فراهم می‌گردد. در این میان دولت، علاوه بر نقش داشتن نیروهای اجتماعی، به‌لحاظ ساختاری از توانمندی بیشتری برخوردار است. حکمرانی خوب دارای ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و دیوان‌سالاری است. بعد اقتصادی مربوط به نقش نیروهای مختلف در فعالیت اقتصادی و حمایت و نظارت دولت در این بخش می‌باشد. در این میان مشروعیت دولت، ارتباط دولت و مردم، توانایی راهبردی دولت در اجرای امور، نظام قضایی کارآمد، نظام دیوان‌سالارانه پاسخگو و ارائه خدمات عمومی بهینه نقش مهمی در توسعه ایفا می‌کند (Guga, 2015).

بر اساس نظریات دولت‌های توسعه‌گرا، مشروعیت دولت و حاکمیت، نقش مهمی در توسعه در ابعاد مختلف دارد و میزان توسعه‌یافتگی یک جامعه، به میزان توانایی دولت در اجرای برنامه‌های توسعه‌گرایانه و به عبارتی دولتی قدرتمند و دارای قدرت اجرایی فراوان، دارد؛ و در نظریات حکمرانی خوب، توسعه در گرو ارتقای کیفیت حکمرانی و ایجاد فضای اعتماد میان دولت و شهروندان و مشارکت و حضور آنها در پیشرفت جامعه می‌باشد. بر این اساس می‌توان گفت که این دو رویکرد با یکدیگر ناسازگار نبوده و استقرار

حکمرانی خوب در یک کشور، منوط به حضور دولت قدرتمند و توسعه گراست؛ بنابراین رشد و توسعه در ابعاد مختلف که مستلزم دولتی قوی و کارآمد است از پیش نیازهای اصلی حکمرانی خوب به شمار می آید (Ghaffari & Igdar, 2017).

در الگوی حکمرانی خوب، دولت در نقش جدیدی ظاهر می شود. نقشی که نیازمند الگویی است که در آن ضمن تأکید بر جنبه های کارایی و اثربخشی دولت، بر جنبه های دموکراتیک و ارزش های دموکراسی نیز توجه داشته باشد. در این الگو دولت به عنوان دولت تسهیل گر شناخته می شود. دولت ها با ایجاد شرایط مساعد اقتصادی، حقوقی و سیاسی و تسهیل مشارکت و فعالیت جامعه مدنی و بخش خصوصی و در کل نیروهای اجتماعی در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و توزیع قدرت و ثبات ائتلاف ها، فضا را برای رشد و توسعه فراهم می کند. در این الگوی حکمرانی، مقابله با فساد به اشکال مختلف از طریق شفافیت فرایندهای انتقال و توزیع سرمایه با ایجاد یک قوه قضائیه کارآمد و مستقل به نهادینه کردن رشد و توسعه کمک می کند. وجود شفافیت و مبارزه با فساد، شرایط را برای رقابت سالم و ظهور استعدادها فراهم کرده و زمینه ایجاد عدالت اجتماعی را نیز فراهم می نماید. وجود یک نظام اداری کارآمد به همراه حاکم بودن قانون و جلوگیری از هرگونه رانت گرایی، ساختارهای لازم برای مدیریت بهینه توسعه را فراهم می کند. در این شرایط جامعه مدنی حق اظهار نظر دارد، دولت پاسخگویی عملکرد خود است و به سبب آن، آگاهی عمومی و شفافیت افزایش و عرصه برای کارآفرینی تسهیل می گردد (Mira & Hammadache, 2017). از این طریق کسب و کارها در حوزه های مختلف تولیدی، توزیعی و خدماتی گسترش یافته، قوانین در جهت تسهیل کارکردی آنها تنظیم می گردد و در نتیجه انگیزه برای تولید و سرمایه گذاری دوچندان می شود (Kaufman & Vishwanath, 2008).

برای سنجش و ارزیابی دولت ها به عنوان حکمران خوب از دهه ۹۰ میلادی شاخص ارزیابی عملکرد دولت ها با عنوان شاخص حکمرانی خوب توسط بانک جهانی تولید و عرضه شد. از نظر بانک جهانی، حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت منابع عمومی بر

اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادل و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت‌داری. حکمرانی شامل فرایندی است که طی آن دولت‌ها انتخاب، مورد نظارت و جایگزین می‌شوند. در این شرایط دولت ظرفیت تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح، احترام به شهروندان، نهادهای حاکم بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی را دارا می‌باشد. حکمرانی خوب مدیریت منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده است و شامل راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن‌ها، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را داشته باشند. به عبارت دیگر می‌توان حکمرانی خوب را شیوه‌ای دانست که در آن قدرت برای مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور در راستای توسعه صرف می‌شود. حکمرانی خوب روشی برای سنجش نحوه اداره امور عمومی و مدیریت منابع عمومی توسط نهادهای عمومی است (World Bank, 1992).

مؤلفه‌های حکمرانی خوب به ۶ دسته تقسیم می‌شود که اطلاعات این شاخص‌ها از طریق پیمایش از مطلعین، نخبگان و مؤسساتی که دارای داده‌های دست‌اول از کشورها هستند جمع‌آوری می‌شوند (Kaufmann & Kraay, 2020). تعریف این شاخص‌ها که توسط بانک جهانی صورت گرفته بدین شرح می‌باشد (World Bank, 2020).

پاسخگویی و حق اظهارنظر^۱: میزان پاسخگویی بر اساس پاسخگویی نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات در چارچوب قانونی به اعضای جامعه و افراد و گروه‌هایی که به آن‌ها خدمات ارائه می‌دهند و حق اظهارنظر بر اساس میزان مشارکت شهروندان یک کشور در انتخاب دولت خود، آزادی بیان، آزادی تشکل‌ها و رسانه‌ها تعیین می‌شود که بر اساس متغیرهای مختلف از منابع مختلف جهانی ساخته شده است.

اثربخشی دولت^۲: به کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال شهروندان از فشارهای سیاسی و همچنین به کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی و میزان تعهد دولت در برابر این سیاست‌ها گفته می‌شود. بر اساس این شاخص هر

1. Voice and Accountability
2. Government Effectiveness

چه کیفیت خدمات عمومی به شهروندان و سیاست‌گذاری‌های مستقل از جهت‌گیری یا سوگیری‌های سیاسی باشد، بهتر و تعهد نظام سیاسی به جامعه و شهروندان بیشتر است. حاکمیت قانون^۱: به میزان اطمینان و پایداری اداره‌کنندگان به قوانین جامعه به‌ویژه کیفیت اجرای قراردادها، حقوق مالکیت، پلیس و دادگاه‌ها و هم‌چنین میزان احتمال جرم و خشونت در جامعه مربوط می‌شود. در صورت عدم وجود اطمینان از اجرای قراردادها و بروز جرم و جنایت به سبب عملکرد ضعیف پلیس و محاکم قضایی در یک کشور شاخص حاکمیت قانون آن نیز ضعیف می‌باشد.

ثبات سیاسی و عدم خشونت^۲: نشان‌دهنده این موضوع است که یک حکومت چقدر ممکن است از راه‌های غیرقانونی و یا از طریق ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی، سرنگونی و براندازی قرار بگیرد و عواملی نظیر وجود گروه‌های تروریستی و بروز خشونت‌های سیاسی از مؤلفه‌های مهم ثبات و یا عدم ثبات سیاسی می‌باشد.

کیفیت تنظیم‌کنندگی^۳: به میزان توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی است که باعث گسترش نفوذ و دامنه فعالیت بخش‌های مختلف جامعه به‌ویژه نهادهای مردمی و بخش خصوصی می‌شود. بر اساس این شاخص هر چه دولت بتواند از طریق تدوین و اجرای سیاست‌ها، شرایط را برای توسعه و پیشرفت این گروه‌ها و تأثیر آن در اداره کشور فراهم کند، از وضعیت حکمرانی خوب برخوردار خواهد بود.

کنترل فساد^۴: بیانگر این موضوع است که حاکمیت و قدرت دولتی تا چه حد مورد سوءاستفاده و خدمت منافع شخصی و خصوصی قرار می‌گیرد. از این‌رو هر چه دولت در خدمت خواص و منافع خصوصی باشد، نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف و هرچقدر برعکس این اتفاق بیافتد، قوی‌تر است.

-
1. Rule of Law
 2. Political Stability and Absence of Violence
 3. Regulatory Quality
 4. Control of Corruption

توسعه اقتصاد فرهنگ

در یک دیدگاه غالب، اقتصاد فرهنگ به عنوان مناسبات و فراگردهای فرهنگی مطابق با زمینه و شرایط اقتصادی تفسیر شده (Galbraith, 1974:3; Boulding, 1985:8) و مینا بر این است که رشد فرهنگ و هنر به پایه اقتصادی نیاز دارد و در مقابل می‌تواند اقتصاد جامعه را تا حدی تحت تأثیر قرار دهند (Mosaei, 2014:14). در دیدگاه دیگری مفهوم اقتصاد فرهنگ به عنوان شاخه‌ای از علم و ترکیبی از مطالعه علم اقتصاد و فرهنگ است که به بررسی تأثیر نیروهای اقتصادی بر کالاهای فرهنگی یا به عبارتی صنعت فرهنگی می‌پردازد تا از طریق ارائه مفاهیم و مسائل اقتصادی تصمیمات و مدیریت عرصه فرهنگ را هدایت یا محدود نماید (Anderson, 2006: 9).

گرچه هنر و کالاهای فرهنگی را می‌توان نوعی کالای اقتصادی دانست که می‌توان با مفاهیم اساسی اقتصاد، نظیر هزینه فرصت، عرضه و تقاضا و تولید و مصرف، درباره آن صحبت کرد، اما ویژگی‌های خاص هنر و صنایع خلاق که نیازمند نگرشی وسیع‌تر هستند، ما را نیازمند آن می‌سازد که در به کارگیری نظریه‌های اقتصادی برای آن‌ها رفتار دیگری داشته باشیم و این همان چیزی است که اقتصاد فرهنگ را از اقتصاد متمایز می‌کند. در این نگرش مباحثی مانند خلاقیت، ایده‌ها، نوآوری، تولیدات فرهنگی و هنری، مصرف فرهنگی، ذائقه فرهنگی، سبک زندگی، سرمایه‌ها، کالاها و خدمات فرهنگی (کالاهای ملموس و غیرملموس)، ارزش‌های فرهنگی، صنایع فرهنگی و بازار فرهنگی و نهادهای فرهنگی مطرح می‌شود (Throsby, 2015).

در جامعه‌شناسی اقتصادی در تجزیه و تحلیل مفهوم اقتصاد فرهنگ علاوه بر متغیرها و عوامل اقتصادی، به عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز توجه می‌شود. اقتصاد به عنوان نوعی کنش، تنها تابع قانون‌مندی‌های ناب اقتصادی نیست، بلکه علاوه بر قانون‌مندی‌های اقتصادی، قانون‌مندی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هم بر آن تأثیرگذارند؛ بنابراین اقتصاد فرهنگ دربرگیرنده اقتصاد، با تمام مفاهیم آن (تولید و توزیع و مصرف ثروت یا سرمایه اقتصادی) و دربرگیرنده فرهنگ (تولید و توزیع و مصرف سرمایه فرهنگی) و

موضوع‌های مربوط به آن می‌تواند باشد. این عرصه نویددهنده قابلیت‌های سرمایه‌گذاری، تولید و درآمد کلان است اما فقط به پول، سودآوری و هزینه کردن آن محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه امکاناتی است که برای جهت‌گیری‌های فرهنگی نیز به کار گرفته می‌شود. از رویکرد جامعه‌شناختی اقتصاد فرهنگ نظام منسجمی از نقش‌ها، موقعیت‌ها، شبکه‌ها، کنشگران و الگوهای ارتباطی است که هم در پی کسب بیشترین سرمایه‌اقتصادی از طریق تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات فرهنگی است و هم می‌تواند به افزایش سرمایه- فرهنگی کمک نماید. اقتصاد فرهنگ، الگوهای نسبتاً ثابت کنش برای کسب سرمایه- اقتصادی از تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی است (Parchami & Derakhshan, 2019:8).

در بسیاری از مواقع اقتصاد فرهنگ با رویکردی تقلیل‌گرایانه به صنایع فرهنگی تحویل شده و صنعت فرهنگ که تولید ثروت اقتصادی از طریق تولید و توزیع و ازدیاد مصرف کالاهای فرهنگی را در بر می‌گیرد مفهوم مرکزی اقتصاد فرهنگ گردیده است. در عمل استفاده از واژه صنعت درباره فرهنگ، بر فرایندهای اقتصادی تمرکز می‌کند که از طریق آن کالاها و خدمات فرهنگی ساخته می‌شوند، به بازار عرضه شده و مصرف‌کنندگان با خریدن آن‌ها به مصرف می‌پردازند؛ بنابراین فعالیت‌های فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در اقتصاد داشته باشند. در این صورت کنترل و هزینه تولید آثار فرهنگی - هنری که با تکنولوژی پیوند نزدیکی دارند مانند فیلم، موسیقی، چاپ، بازی و ... در عرصه‌های پژوهش در باب اقتصاد سیاسی تولید فرهنگی، اهمیت ویژه می‌یابند (Throsby, 2015). تولیدات صنایع فرهنگی به دو گروه کالا و خدمات فرهنگی تقسیم می‌شوند. کالای فرهنگی شیء و خدمتی است که برای ارضا نیازهای فرهنگی (سرمایه فرهنگی) توسط افراد جامعه در فرآیند کار، تولید و با کالاها و خدمات دیگر اعم از فرهنگی یا غیر فرهنگی مبادله می‌گردد (Palgrave, 2006). خدمات فرهنگی، خدماتی است که معرف کالاهای مادی نیست اما با هدف تأمین نیازها و یا علایق فرهنگی ارائه شده و شامل مجموعه‌ای از اقدامات و تسهیلات حمایتگر فرهنگی است که دولت و مؤسسات خصوصی و نیمه‌دولتی

و یا شرکت‌ها در اختیار جامعه قرار می‌دهند (Rashidpour, 2014:300).

با توجه به تعریف ارائه‌شده، اقتصادفرهنگ دارای سه بخش مهم تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی می‌باشد. تولید فرهنگی فرایندی است که در آن محتواهای فرهنگی که حاوی عناصر نمادین فرهنگی، زیباشناختی و هنری است، از طریق کانال تولیدی، ایجاد، آموزش، نیروی انسانی، توزیع، ارزیابی و حفظ می‌گردد (Peterson & Anand, 2004). از مهم‌ترین عناصر تولید فرهنگی کسب و کارها، سرمایه، نیروی انسانی و آموزش می‌باشد (Throsby, 2000:49). بخش دیگر اقتصادفرهنگ، توزیع محصولات فرهنگی و بستر آن بازار و تجارت صنایع فرهنگی در آن است. در بازار کالاهای فرهنگی، مبادلات کالاهای فرهنگی انجام می‌شود و عدم طراحی ارتباطات صحیح در بازار هنری موجب کاهش تولید یا عدم پاسخگویی به نیازهای فرهنگی می‌گردد (Parkin et al, 2014). مصرف نیز یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادفرهنگ می‌باشد. در مباحث اقتصادی، می‌توان مخاطبان، بازدیدکنندگان، بینندگان و خریداران انواع محصولات فرهنگی هنری را به‌عنوان «مصرف‌کنندگان» در نظر گرفت. مصرف کالاهای فرهنگی از دو بعد قابل بررسی است: بعد اول الگوهای مصرف است که از طریق خرید کالا و خدمات فرهنگی مصرف‌کنندگان نشان داده می‌شود. بعد دوم مربوط به نظریه تقاضا است که انتخاب‌های مصرف‌کنندگان را تبیین می‌کند (Towse, 2014:214).

رشد و پیشرفت در هر سه بخش اقتصادفرهنگ به‌معنای توسعه آن است؛ زیرا مفهوم توسعه از قوه به فعل رسیدن هماهنگ توانایی‌های گوناگون جامعه را نشان می‌دهد و متکی بر رهیافتی نظام‌وار از جامعه است؛ بنابراین بهترین وضعیت برای یک جامعه آن است که ابعاد گوناگون نظام اجتماعی هماهنگ باهم رشد یابند که به آن توسعه همه‌جانبه اطلاق می‌شود (Panahi, 2015: 3). فرایند توسعه اقتصادفرهنگ، توسعه اقتصادی از طریق تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی و توسعه سرمایه‌فرهنگی یعنی رشد آگاهی‌های نافع را در بر می‌گیرد و از این طریق می‌تواند عامل مؤثری در شکوفایی استعدادهای انسانی در سطح خرد، رشد و ارتقا خرده‌فرهنگ‌ها در سطح میانه و پیشرفت جامعه و ارتقاء

ضریب نفوذ فرهنگی کشورها در روابط بین‌المللی و تبادلات فرهنگی فراملی در سطح کلان باشد. بر این اساس توسعه اقتصاد فرهنگ فرایند ارتقاء مستمر و متعادل تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات فرهنگی در سطوح مختلف است (Parchami & Derakhshan, 2019:10).

برای سنجش میزان توسعه اقتصادی و فرهنگی شاخص‌های مختلف ملی و بین‌المللی ارائه شده است. یونسکو برای سنجش توسعه اقتصاد فرهنگ و صنایع فرهنگی از معرف‌های درآمد صنایع فرهنگی نظیر فیلم، موسیقی، کتاب و بازی‌های دیجیتال، سهم صنایع فرهنگی در GDP، بودجه بخش فرهنگ، میزان صادرات و واردات کالاهای فرهنگی، میزان شاغلین و تحصیل‌کردگان این بخش را معرفی نموده است (UNESCO, 2015).

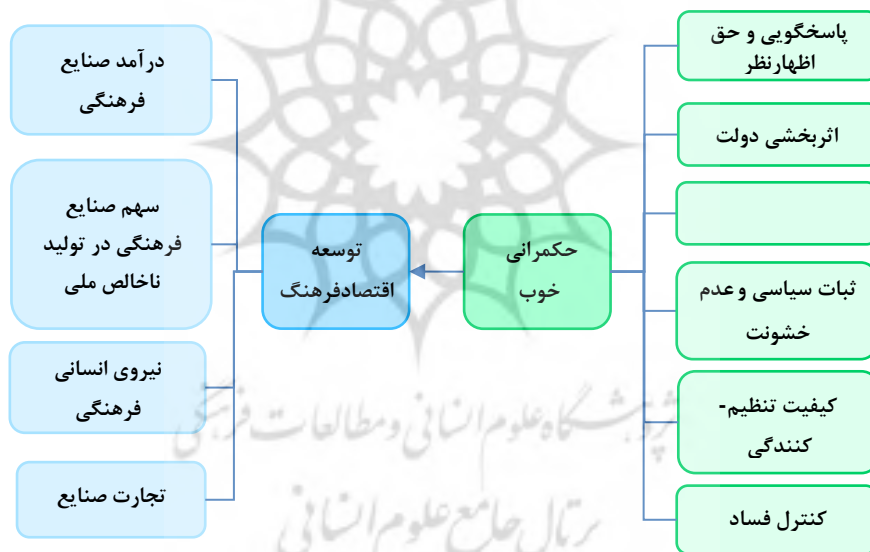
با توجه به رویکردهای نظری نهادگرایی و حکمرانی خوب، دولت‌ها در توسعه جوامع نقش مهمی دارند. در حوزه فرهنگ و توسعه فرهنگی و به‌ویژه توسعه اقتصاد فرهنگ نیز این نقش‌آفرینی دارای اهمیت است. رویکردهای نظری مطابق با این موضوع نظیر دیدگاه «نقش تعدیل‌شده دولت در توسعه فرهنگی»، هم‌نظر با تئوری حکمرانی خوب می‌باشد و در این دیدگاه دولت می‌تواند ضمن پشتیبانی از فعالیت‌های مربوط به این عرصه در کنار حضور بازار و بخش خصوصی، شبکه‌های اجتماعی و هنری، مراکز آموزشی به‌ویژه دانشگاهی، سازمان‌های اجتماعی مردم‌نهاد، خرده‌فرهنگ‌های پایدار، به‌عنوان یک حامی حضور داشته باشد (Gay & Pryke, 2002). در این حالت دولت در نقش هدایت‌کننده یا حامی و یا ناظر می‌تواند به ایفای نقش پردازد. از مهم‌ترین مؤلفه در این دیدگاه مشارکت مردم است. در این نوع مشارکت، مردم با یک برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کلان که از قبل طراحی شده است مصرف و یا سرمایه‌گذاری می‌کنند. به‌این ترتیب، میزان سوددهی آن‌ها در هر زمان مشخص خواهد بود (Naqib Sadat, 2009: 6).

مشارکت فرهنگی عبارت است از حضور و فعالیت مردم در امور فرهنگی که ممکن است متأثر از فرهنگ آن جامعه باشد. هم‌چنین بهره‌مندی افراد جامعه از منابع فرهنگی

مانند کالاها و خدماتی که در دسترس است و انجام فعالیت‌های فرهنگی را ممکن یا تسهیل می‌کند. افراد جامعه از طریق فعالیت‌های فرهنگی در خلال زندگی روزمره و سهمی شدن در امور فرهنگی جامعه خود و استعداد‌های خود را توسعه و شخصیت خود را گسترش می‌دهند (Bennett, 2001).

با توجه رویکردهای نظری مرور شده در این مطالعه، می‌توان گفت که به تناسب زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، میزان و چگونگی نقش دولت‌ها در این حوزه متفاوت است. با وجود فراز و نشیب‌های نقش دولت در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، امروزه رویکرد غالب درباره نقش دولت در اقتصاد و فرهنگ، همچنان دولت به‌عنوان یک‌نهاد مهم و تأثیرگذار در کنار بازار که از اساسی‌ترین عناصر در اقتصاد و توسعه و به تبع آن اقتصادفرهنگ می‌باشد، به قوت خود پابرجاست. در رویکردهای نظری اخیر، دولت در نقش جدیدتری ظاهر می‌شود و عملکرد آن مبتنی بر الگویی است که در آن ضمن تأکید بر جنبه‌های کارایی و اثربخشی، بر جنبه‌های دموکراتیک و ارزش‌های دموکراسی نیز توجه دارد. در این الگو دولت به‌عنوان تسهیل‌گر شناخته و با ایجاد شرایط مساعد اقتصادی، حقوقی و سیاسی و تسهیل مشارکت و فعالیت جامعه مدنی و بخش خصوصی و در کل نیروهای اجتماعی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و توزیع قدرت و ثبات ائتلاف‌ها، فضا را برای رشد و توسعه فراهم می‌کند که در آخرین نسخه‌های نظری و عملیاتی از آن به‌عنوان حکمران خوب نام برده می‌شود. در این مدل، دولت در اداره جامعه دارای شرکایی است نظیر شهروندان، جامعه مدنی، سازمان‌های غیرانتفاعی و حتی شخصیت‌های مذهبی و ... که در نظریه‌های نقش دولت در توسعه فرهنگی و هنری نیز از گفتمان مدنی و مشارکت نهادهای مردمی و یا مشارکت مردمی در قالب مشارکت عام و خاص از آن یاد می‌شود؛ بنابراین با توجه به رویکردهای نظری نهادگرایی و حکمرانی خوب، دولت‌ها در توسعه جوامع نقش مهمی دارند. در حوزه فرهنگ و توسعه فرهنگی و به‌ویژه توسعه اقتصادفرهنگ نیز این نقش‌آفرینی دارای اهمیت است. رشد و پیشرفت در هر سه بخش تولید، توزیع و مصرف صنایع فرهنگی در

اقتصادفرهنگ به معنای توسعه آن است. توسعه صنایع فرهنگی مانند بسیاری از صنایع دیگر نیازمند مؤلفه‌ها و بسترهایی نظیر زیرساخت‌های فنی و قانونی، حمایت‌های مالی و پولی، فراهم کردن شرایط فعالیت و حضور بخش خصوصی، مشارکت جامعه مدنی، آموزش و تربیت نیروی انسانی، مجاری توزیع، بازاریابی و فروش و ... هستند که حضور دولت را به اشکال مختلف ضروری می‌سازد. بر اساس این نظریات هر یک از شاخص‌های حکمرانی خوب می‌تواند بیانگر این مؤلفه‌های موردنیاز از سوی دولت برای توسعه اقتصادفرهنگ می‌باشد که در ایران نیز قابل‌بررسی می‌باشد. در مدل نظری ذیل، چارچوب نظری تحقیق یعنی رابطه میان مؤلفه‌های حکمرانی خوب و توسعه اقتصادفرهنگ ترسیم شده است.



شکل ۲. مدل نظری رابطه حکمرانی خوب و توسعه اقتصادفرهنگ

Figure 2. Theoretical model of the relationship between good governance and the development of economy of culture

روش تحقیق

در این تحقیق با توجه به اهداف برای پاسخ به سؤال تحقیق، با بهره‌گیری از روش تحلیل

تطبیقی - کمی رابطه حکمرانی خوب و توسعه اقتصادفرهنگ بررسی شده است؛ زیرا هر دو متغیر صفت جامعه بوده و در سطح کلان می‌باشند. تحلیل تطبیقی به معنای توصیف و تبیین مشابهت‌ها و تفاوت‌های شرایط یا پیامدها در بین واحدهای اجتماعی بزرگ‌مقیاس و کلان مانند مناطق، ملت‌ها، جوامع و فرهنگ‌هاست (Smelser, 2003:645). در مطالعه تطبیقی، دو نوع طرح تطبیقی متغیرمحور^۱ و موردمحور^۲ وجود دارد. مطالعه حاضر، متغیرمحور است. معمولاً مطالعات متغیرمحور، با محوریت چند متغیر و در قالب تحقیق کمی در میان چند مورد (Reagan, 2009:25)؛ که در اینجا کشورهای توسعه‌یافته و رشدیافته در اقتصادفرهنگ بر اساس شاخص‌های اقتصادفرهنگ نظیر درآمد و تجارت صنایع فرهنگی و ایران می‌باشد، صورت می‌گیرد. در پژوهش حاضر، گروهی از کشورها جهت مقایسه با وضعیت ایران انتخاب شدند. ملاک معیارسنجی^۳ برای مطالعه تطبیقی، سطح توسعه‌یافتگی، پیشرو بودن و رشدیافتگی کشورها در اقتصادفرهنگ می‌باشد تا وضعیت اقتصادفرهنگ این کشورها و تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه‌یافتگی اقتصادفرهنگ با ایران مورد بررسی قرار گیرد.

داده‌های موردنیاز از منابع معتبر اطلاعاتی در دسترس، سایت‌ها و سازمان‌های مرتبط، مهم‌ترین شاخه‌های صنایع فرهنگی یعنی کتاب، فیلم و موسیقی (بنابر گزارش یونسکو) جمع‌آوری نموده و با تکنیک‌های تحلیل ثانوی و تحلیل آمارهای موجود به بررسی قرار می‌گیرد. سطح توسعه‌یافتگی کشورها در اقتصادفرهنگ بر اساس میزان درآمد صنایع فرهنگی مهم اعم از فیلم، موسیقی، کتاب و بازی‌های دیجیتال، تعداد و درصد شاغلین فرهنگی، گردشگری، سهم صنایع فرهنگی در تولید ناخالص داخلی (GDP) و میزان واردات و صادرات کالاهای فرهنگی تعیین و کشورها در قالب دو گروه انتخاب شدند.

امکان دسترسی به اطلاعات تمام کشورهای جهان در مورد مؤلفه‌های اقتصادفرهنگ امکان‌پذیر نبود، اطلاعات برخی کشورها ناقص بود و در نتیجه امکان مقایسه فراهم نبود،

-
1. Variable oriented
 2. Cases oriented
 3. Benchmarking

لاجرم بر اساس ملاک‌های مذکور، بیست کشور در قالب دو گروه کشورهای توسعه یافته و رشد یافته انتخاب و بر اساس متغیرهای سطح کلان مورد بررسی قرار گرفتند که در جدول ذیل ارائه به ترتیب ارائه شده است.

جدول ۲. بیست کشور توسعه یافته و رشد یافته در اقتصادفرهنگ

Table2. Twenty developed and grown countries in the economy of culture

رشد یافته		توسعه یافته	
کره جنوبی	11	آمریکا	1
ترکیه	12	انگلیس	2
تایلند	13	چین	3
مالزی	14	آلمان	4
ویتنام	15	فرانسه	5
آرژانتین	16	ایتالیا	6
برزیل	17	ژاپن	7
مکزیک	18	سوئیس	8
شیلی	19	کانادا	9
اندونزی	20	هلند	10

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

توسعه اقتصادفرهنگ: فرایند ارتقاء مستمر و متعادل تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات فرهنگی در سطوح مختلف است. به دلیل عدم وجود شاخص استاندارد درباره اقتصادفرهنگ، محقق ناگزیر به ساخت شاخص با داده‌های موجود از طریق روش‌های آماری شده است. برای سنجش میزان توسعه اقتصادفرهنگ از متغیرها و داده‌های ذیل استفاده شده است.

درآمد کسب شده از مهم‌ترین صنایع فرهنگی، شامل: درآمد فیلم و سینما (داده‌های سازمان آمار یونسکو^۱)، درآمد موسیقی (داده‌های گزارش شده IFPI^۲)، درآمد کتاب

1. UNESCO Institute for Statistics

2. International Federation of the Phonographic Industry

(گزارش چشم‌انداز نشر^۱ و سازمان آمار یونسکو)، درآمد بازی‌های دیجیتال (گزارش موسسه Newzoo^۲)، تعداد گردشگر و درآمد حاصل از آن (سازمان جهانی گردشگری UNWTO^۳)

سهم صنایع فرهنگی در تولید ناخالص ملی کشورها (پرتال دولت‌ها)؛ آمار نیروی انسانی بخش صنایع فرهنگی و فارغ‌التحصیلان هنر (سازمان آمار یونسکو)؛ میزان تجارت کالاهای فرهنگی و یافتن بازارهای مناسب برای عرضه کالاهای فرهنگی؛ آمار صادرات و واردات کالاهای فرهنگی (گزارش تجارت جهانی فرهنگی^۴، یونسکو). شاخص اقتصادفرهنگ از مجموع داده‌های ذکر شده، ساخته شده است.

حکمرانی خوب: عبارت است از مدیریت منابع عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادل و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت‌داری. حکمرانی خوب از جمله شاخص ارزیابی عملکرد دولت‌هاست که از دهه ۹۰ میلادی توسط بانک جهانی تولید و عرضه شد (World Bank, 1992). مؤلفه‌های حکمرانی خوب به ۶ دسته تقسیم می‌شود: پاسخگویی و حق اظهارنظر، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کیفیت تنظیم‌کنندگی و کنترل فساد. دامنه دامن‌های نمره این شاخص‌ها از (۲,۵-) تا (۲,۵+) می‌باشد. اطلاعات این شاخص‌ها از طریق پیمایش از مطلعین، نخبگان و مؤسساتی که دارای داده‌های دست‌اول از کشورها هستند جمع‌آوری می‌شوند. در اینجا میانگین هر یک از شاخص‌ها از سال 1996 تاکنون مورد بررسی قرار گرفته است. (Kaufmann & Kraay, 2020). از ترکیب میانگین ده‌ساله گذشته این شاخص‌ها، شاخص حکمرانی خوب کشورها ساخته شده و رابطه آن با توسعه اقتصادفرهنگ کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

-
1. Publishing Perspectives
 2. Games & Esports Analytics and Market Research
 3. World Tourism Organization Report
 4. The Globalisation of Cultural Trade

اعتبار و روایی شاخص‌ها

برای بررسی اعتبار شاخص‌ها از ضریب آلفای کرونباخ (a)، همبستگی درونی عناصر شاخص‌ها و تحلیل عاملی (KMO) استفاده شده که از حداقل لازم برای پذیرش شاخص برخوردار بوده‌اند. در ذیل جدول اعتبار دو شاخص ساخته شده، ارائه شده است:

جدول ۳. ضریب آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی شاخص حکمرانی خوب و توسعه اقتصاد فرهنگ
Table 3. Cronbach's alpha coefficient and factor analysis of good governance index and economy of cultura development

شاخص‌ها	α	KMO
شاخص حکمرانی خوب	0.92	0.82
شاخص اقتصاد فرهنگ	0.88	0.80

یافته‌های تحقیق

مقایسه توسعه اقتصاد فرهنگ در ایران و کشورهای منتخب

در این بخش ابتدا به مقایسه وضعیت توسعه اقتصاد فرهنگ و مؤلفه‌های حکمرانی خوب در کشورهای توسعه یافته، رشد یافته و ایران پرداخته و در انتها تأثیر حکمرانی بر توسعه مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد.

صنعت فیلم و سینما از مهم‌ترین صنایع فرهنگی ثروت‌ساز جهان و میزان درآمد آن از طریق فروش گیشه^۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به آخرین داده‌های موجود، درآمد فیلم در ایران ۳۵,۷ میلیون دلار است. در حالی که میانگین درآمد سینما در کشورهای توسعه یافته ۲,۸ میلیارد دلار می‌باشد. در میان این کشورها، آمریکا با درآمد ۱۱ میلیارد دلاری و پس از آن چین با درآمد ۹,۱ میلیارد دلاری در صدر این کشورها قرار دارند. میانگین درآمد صنعت فیلم‌سازی در کشورهای رشد یافته در اقتصاد فرهنگ ۴۵۰ میلیون دلار می‌باشد. کره جنوبی در صدر با درآمد ۱,۵ میلیارد دلاری قرار دارد. به گزارش انجمن سینمایی آمریکا، کره جنوبی جزو ۱۰ کشور برتر در بازار گیشه در جهان می‌باشد

1. Box Office

(Motion Picture Association of America, 2018).

به گزارش IFPI درآمد موسیقی در سال ۲۰۱۹ در جهان ۲۰,۲ میلیارد دلار می‌باشد. سهم ایران از کل این درآمد ۲۸ میلیون دلار بوده است در حالی که میانگین درآمد موسیقی کشورهای توسعه یافته حدود ۱,۳۵ میلیارد دلار است. بیشترین درآمد صنعت موسیقی متعلق به آمریکا با حدود ۵,۹ میلیارد دلار و پس از آن ژاپن با ۲,۷ میلیارد دلار می‌باشد. میانگین درآمد موسیقی در کشورهای رشد یافته ۶۴۰,۶ میلیون دلار می‌باشد. در این کشورها صنعت موسیقی کره جنوبی با ۴,۹ میلیارد دلار با فاصله بسیار زیاد دارای بیشترین درآمد در صنعت موسیقی در این گروه کشورها می‌باشد (Global Music Report, 2020). پس از کره جنوبی، ترکیه با ۳۱۸ میلیون دلار دارای بیشترین درآمد از صنعت موسیقی می‌باشد. صنعت موسیقی در ترکیه صنعتی پر ظرفیت و پویا محسوب می‌شود که پیوسته در حال توسعه است. پیشرفت‌ها فناورانه در توسعه صنعت موسیقی در ترکیه بسیار مؤثر بوده به طوری که بیش از ۳۰ درصد درآمد موسیقی به فروش دیجیتال آن اختصاص دارد (WIPO, 2018).

بر اساس گزارش چشم‌انداز نشر و سازمان یونسکو، میانگین کشورهای توسعه یافته در نشر ۴,۴۶ میلیارد دلار است. بیشترین درآمد نشر متعلق به آمریکا با حدود ۱۵,۹ میلیارد دلار، پس از آن ژاپن با ۸,۳۶ میلیارد دلار و آلمان ۵,۷ میلیارد دلار قرار دارند. میانگین صنعت نشر در میان کشورهای رشد یافته ۱,۳ میلیارد است. کره جنوبی با ۲,۸ میلیارد دلار درآمد در صدر و پس از آن برزیل با درآمد ۱,۶ میلیارد، آرژانتین ۱,۳ و ترکیه با ۱,۲ میلیارد قرار دارند. میزان درآمد ایران از چاپ کتاب ۲۶ میلیون دلار است (Cultural times, 2015).

بازی‌های رایانه‌ای منبع غنی خلق ارزش اعم از فرهنگی و اقتصادی هستند. به گزارش موسسه Newzoo که زیر نظر سازمان کسب و کار جهانی است، گردش مالی بازی‌های دیجیتال در جهان ۱۱۹,۶ میلیارد در سال ۲۰۱۹ دلار است. به گزارش سازمان کسب و کار جهانی، کشور چین با بیشترین نرخ رشد ۱۳,۶ درصد و درآمد ۳۴,۴ میلیارد دلار با جمعیت

۱,۴۱۰ میلیارد نفر و جمعیت ۸۱۴ میلیونی مشتاق به بازی‌های دیجیتال در رتبه اول درآمدی بازی‌های دیجیتال قرار گرفته است. پس از آن آمریکا با میزان درآمد ۳۱,۵ میلیارد دلار پس از چین قرار دارد. میانگین درآمد بازی‌های دیجیتال در کشورهای رشد یافته ۱,۳ میلیارد دلار می‌باشد. کره جنوبی با درآمد ۵,۷ میلیارد دلار دارای بیشترین درآمد در بازی‌های دیجیتال در میان کشورهای این گروه می‌باشد. درآمد ایران در صنعت بازی دیجیتال ۴۸۷ میلیون دلار است. این میزان درآمد از صنعت بازی دیجیتال، ایران را در منطقه به سومین کشور پس از عربستان و ترکیه تبدیل کرده است. این ارقام نشان می‌دهد که ایران بازار بزرگی برای بازی‌های دیجیتال است ولی تنها ۵ درصد از بازار بازی‌های دیجیتال آن متعلق به بازی‌های داخلی است (Games Market Data, 2020). در جدول ذیل مقایسه میانگین درآمد صنایع فرهنگی در کشورهای توسعه یافته، رشد یافته با ایران و سهم آن‌ها در تولید ناخالص داخلی و هم‌چنین آزمون F و معناداری میانگین‌ها ارائه شده است.

جدول ۴. مقایسه درآمد صنایع فرهنگی در ایران و کشورهای توسعه یافته و رشد یافته

Table 4. Comparison of income of cultural industries in Iran and developed and grown countries

بازی دیجیتال (میلیون دلار)	نشر (میلیون دلار)	موسیقی (میلیون دلار)	سینما (میلیون دلار)	کشورها
10248	4460	1358	2868	توسعه یافته
1303	1304	640	432	رشد یافته
487	26	28	35.7	ایران
F=2.5 Sig=0.05	F=3.8 Sig=0.04	F=2.6 Sig=0.04	F=2.8 Sig=0.05	F آزمون

منبع: یونسکو، 2019؛ گزارش جهانی موسیقی، 2019؛ سازمان کسب و کار جهانی، 2019

به گزارش سازمان آمار اتحادیه اروپا (European) به‌طور کلی میانگین سهم صنایع فرهنگی در GDP در کشورهای توسعه یافته در اقتصاد فرهنگ ۴ درصد می‌باشد. چین با سهم ۶,۴ درصدی و پس از آن آمریکا با سهم ۴,۸ درصدی در صدر این کشورها قرار دارند. در کل به گزارش مرکز ملی آمار چین، صنایع فرهنگی چین نسبت به ده سال

گذشته ۶۰ برابر رشد داشته که از مهم‌ترین دلایل آن مشارکت، همکاری و انسجام بین بخشی میان بخش‌های مختلف نظیر فرهنگ و تکنولوژی از طریق میانجیگری دولت به وجود آمده است (National Bureau of Statistics of China, 2018). میانگین سهم صنایع فرهنگی در تولید ناخالص داخلی کشورهای رشد یافته در اقتصاد فرهنگ ۳,۲ درصد می‌باشد. کره جنوبی با سهم ۴,۱ درصدی صنایع فرهنگی در تولید ناخالص داخلی در صدر این کشورها قرار گرفته است. این در حالی است که سهم صنایع فرهنگی در تولید ناخالص داخلی ایران ۱ درصد می‌باشد. میانگین گروه کشورها و ایران در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۵. مقایسه سهم صنایع فرهنگی در GDP در ایران، کشورهای توسعه یافته و رشد یافته
Table 5. Comparison of the share of cultural industries in GDP in Iran, developed and grown countries

کشورها	درصد سهم GDP
توسعه یافته	4
رشد یافته	3.2
ایران	1
F آزمون	F=32.3 Sig=0.000

ارزش اقتصادی صنایع فرهنگی برحسب درآمد حاصله از صنایع فرهنگی و تعداد مشاغل ایجاد شده در این حوزه تعیین می‌شود (Cultural times, 2015:12). در واژه‌نامه یونسکو، شاغلین فرهنگی^۱، تمامی افرادی هستند که در حوزه صنایع فرهنگی از جمله مشاغل غیردائمی، پدیدآورندگان، مؤلفان، هنرمندان و غیره مشغول به کار هستند (Glossary of UNESCO, 2018). بنابر گزارش یونسکو در میان این کشورها، منطقه آمریکای شمالی (آمریکا و کانادا) با ایجاد ۴,۷ میلیون شغل یعنی ۱۶ درصد از کل مشاغل حوزه صنایع فرهنگی بعد از اروپا (۷,۷ میلیون شغل و ۲۶ درصد) از مهم‌ترین بازارهای بزرگ صنایع فرهنگی محسوب می‌شود. با وجود اینکه در میان کشورهای توسعه یافته در اقتصاد فرهنگ،

1. Persons in cultural employment

چین دارای بیشترین شاغلین بخش صنایع فرهنگی است، اما آمریکا با سهم ۸,۲ درصدی از کل شاغلین فرهنگی در صدر کشورها قرار دارد و چین با سهم ۴,۱ درصدی دارای پایینترین سهم شاغلین فرهنگی از کل می‌باشد. میانگین سهم مشاغل فرهنگی در کشورهای توسعه‌یافته در اقتصاد فرهنگ ۶,۲ درصد می‌باشد. میانگین درصد جمعیت شاغلین فرهنگی نسبت به کل جمعیت شاغل در کشورهای رشدیافته ۶,۱ درصد می‌باشد. مکزیک با بیشترین درصد یعنی ۹,۹ در صدر قرار دارد؛ اما به‌طور کلی کشورهای آسیا-اقیانوسیه با ایجاد ۱۲,۷ میلیون شغل در صنایع فرهنگی ۴۳ درصد از مشاغل صنایع فرهنگی و بزرگ‌ترین بازار صنایع فرهنگی در جهان را به خود اختصاص داده‌اند (Cultural times, 2015:16). تعداد شاغلین فرهنگی در ایران ۲,۵ درصد از کل جمعیت شاغل را به خود اختصاص می‌دهد.

نیروهای متخصص حوزه فرهنگ و هنر نیز از مؤلفه‌های مهم توسعه اقتصاد فرهنگ به‌ویژه در بخش تولید کالا و خدمات فرهنگی است. از این رو سهم فارغ‌التحصیلان بخش هنر نیز مورد سنجش و مطالعه قرار گرفته است. به گزارش سازمان آمار یونسکو، میانگین فارغ‌التحصیلان هنر در کشورهای توسعه‌یافته ۱۲,۴ درصد از کل فارغ‌التحصیلان می‌باشد. آمریکا با سهم ۱۹,۶ درصدی در صدر این کشورها و پس از آن ایتالیا با سهم ۱۶ درصدی، انگلیس ۱۵,۳ درصدی و ژاپن ۱۵ درصدی دارند. میانگین درصد فارغ‌التحصیلان هنر در کشورهای رشدیافته ۶,۷ درصد از کل می‌باشد. کره جنوبی با سهم ۱۶,۹ درصدی دارای بیشترین درصد فارغ‌التحصیلان هنر در میان این کشورها می‌باشد. پس از آن ترکیه با ۱۰,۸ درصد و تایلند ۷,۳ درصد قرار دارند. از کل فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ایران ۷,۶ درصد در رشته‌های هنر هستند. این اندازه کمی بیشتر از میانگین کشورهای رشدیافته است و نشان می‌دهد که نیروی انسانی لازم برای توسعه اقتصاد فرهنگ کشور وجود دارد اما به کار گرفته نمی‌شود و یا کارایی لازم را ندارند. در کشورهای پیشرفته فرصت‌های شغلی بیشتری برای دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها از طریق صنعت فرهنگی فراهم می‌شود و این بخش از جامعه در جهت افزایش تولید، بهره‌وری و ارزش افزوده به کار گرفته می‌شوند.

جدول ۶. مقایسه نیروی انسانی بخش فرهنگ در ایران و کشورهای توسعه یافته و رشد یافته

Table 6. Comparison of manpower in the cultural sector in Iran and developed and grown countries

کشور	درصد شاغلین فرهنگی	درصد فارغ التحصیلان هنر
توسعه یافته	6.2	12.4
رشد یافته	6.1	6.7
ایران	2.5	7.6
آزمون F	F=3.1 Sig=0.03	F=4.8 Sig=0.02

منبع: یونسکو، ۲۰۱۹.

امروزه عرضه کالاهای فرهنگی هم‌پا و به‌اندازه تولید آن‌ها سهم به‌سزایی در افزایش تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده اقتصادی می‌شود. بسیاری از کشورها سهم قابل توجهی در بازار فرهنگی جهان دارند و هر ساله میلیاردها دلار از طریق صادرات کالاهای فرهنگی ذخیره‌ی ارزی مناسبی را برای خود به‌دست می‌آورند. جهانی‌شدن تجارت کالاهای فرهنگی، این فرصت را برای همه کشورها فراهم می‌کند که با ارائه محصولات فرهنگی خود در بازارهای مجازی و غیرمجازی جهانی، ضمن معرفی فرهنگ خود به جهانیان، از طریق تجارت صنایع فرهنگی و حضور فعال در بازارهای فرهنگی، قدرت اقتصادی-سیاسی و نفوذ فرهنگی خود را افزایش دهند (The Globalisation of Cultural Trade, 2015:13).

طبق گزارش تجارت جهانی فرهنگی یونسکو، میانگین صادرات صنایع فرهنگی در کشورهای توسعه یافته در اقتصاد فرهنگ ۱۵,۴ میلیارد دلار می‌باشد. چین با ۶۰ میلیارد دلار صادرات صنایع در سال پیش‌تاز است. پس از آن آمریکا با ۲۷,۸ میلیارد و انگلیس با ۱۶,۴ میلیارد دلار قرار دارند. میانگین صادرات صنایع فرهنگی در کشورهای رشد یافته ۱,۶ میلیارد دلار می‌باشد. ترکیه با ۴,۱۹ میلیارد دلار دارای بیشترین میزان صادرات صنایع فرهنگی در میان کشورهای رشد یافته می‌باشد. طی دهه گذشته ترکیه و چند کشور آسیایی دیگر نظیر هند و مالزی به‌عنوان صادرکنندگان کالاهای فرهنگی ظهور کرده (The Globalisation of Cultural Trade, 2015:11) و ترکیه جزو ده کشور بزرگ جهان در

صادرات کالاهای فرهنگی می باشد که طی ده سال از رتبه بیست و دو به دهمین رتبه جهان در صادرات کالاهای فرهنگی صعود نموده است (UNESCO Institute for Statistics, 2018).

هم چنین میانگین واردات کالاهای فرهنگی در کشورهای توسعه یافته در اقتصاد فرهنگ ۹,۹ میلیارد دلار است و آمریکا با ۳۰,۳ میلیارد دلار در صدر این کشورها قرار دارد. میانگین واردات کالاهای فرهنگی به کشورهای رشد یافته، حدود ۱ میلیارد دلار می باشد. بر اساس گزارش کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد)^۱ درآمد ایران از صادرات کالاهای فرهنگی که بخش اعظمی از آن متعلق به هنرهای دستی نظیر فرش بوده است ۶۵۵ میلیون دلار و واردات آن ۱۲۲ میلیون دلار می باشد. طبق آخرین داده های موجود، بازار اصلی صادرات صنایع فرهنگی ایران، کشورهای آسیایی با سهم ۵۶ درصدی و پس از آن اروپا با سهم ۲۹ درصدی و آمریکا با سهم ۱۳ درصدی بوده است که بیشتر شامل صنایع دستی نظیر فرش می باشد (UNCTAD, 2018:239).

جدول ۷. مقایسه تجارت صنایع فرهنگی در ایران و کشورهای توسعه یافته و رشد یافته

Table 7. Comparison of trade of cultural industries in Iran and developed and grown countries

کشور	واردات (میلیون دلار)	صادرات (میلیون دلار)
توسعه یافته	9962	15460
رشد یافته	1068	1696
ایران	122.5	655
آزمون F	F=11.4 Sig=0.01	F=11 Sig=0.01

منبع: یونسکو، ۲۰۱۸.

شاخص توسعه اقتصاد فرهنگ با نمرات نسبی اجزای آن که در بخش های قبلی توصیف شد ساخته شده است. دامنه این شاخص از صفر تا صد می باشد. میانگین شاخص توسعه اقتصاد فرهنگ در کشورهای توسعه یافته ۷۴ و بیشترین مقدار متعلق به آمریکا با نمره ۹۳,۶

1. United Nations Conference on Trade and Development

و کمترین آن هلند با نمره ۵۶,۴ می‌باشد. میانگین شاخص توسعه اقتصادفرهنگ در کشورهای رشد یافته ۳۷ از صد می‌باشد. بیشترین نمره شاخص متعلق به کره جنوبی با نمره ۶۵,۷ و پس از آن ترکیه با نمره ۴۷,۲ می‌باشد. نمره این شاخص در ایران ۱۷ است. این تفاوت در میانگین‌ها معنادار نیز می‌باشد. نمره شاخص توسعه اقتصادفرهنگ ایران فاصله آن را با کشورهای رشد یافته و توسعه یافته نشان می‌دهد. در جدول ذیل نمره شاخص توسعه اقتصادفرهنگ کشورهای توسعه یافته ارائه شده است.

جدول ۸. مقایسه شاخص توسعه اقتصادفرهنگ ایران و کشورهای توسعه یافته و رشد یافته

Table 8. Comparison of Iran's economy of culture development index with developed and grown countries

کشور	شاخص توسعه اقتصادفرهنگ
توسعه یافته	74
رشد یافته	37
ایران	17
Fآزمون	F=24.2 Sig=0.000

در ادامه به بررسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب در کشورهای توسعه یافته در اقتصادفرهنگ ایران و تأثیر آن بر توسعه اقتصادفرهنگ آن‌ها خواهیم پرداخت.

مقایسه شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران و کشورهای منتخب

با توجه به آمار و نمراتی که توسط بانک جهانی در مورد مؤلفه‌های حکمرانی خوب به تفکیک کشورها گزارش شده است، میانگین ده‌ساله نمرات گروه کشورهای توسعه یافته و رشد یافته در اقتصادفرهنگ در هر یک از شاخص‌های حکمرانی خوب در مقایسه با ایران به شرح ذیل می‌باشد:

نمره شاخص پاسخگویی در ایران ۱,۴۹- است در حالی که میانگین این نمره در کشورهای رشد یافته ۰,۰۰۹- و در کشورهای توسعه یافته در اقتصادفرهنگ ۱ می‌باشد که نشان از فاصله ایران در این شاخص از کشورهای توسعه یافته در اقتصادفرهنگ دارد. در

شاخص اثربخشی دولت نمره ایران ۰,۴۳-، میانگین کشورهای رشد یافته ۰,۳۴ و کشورهای توسعه یافته در اقتصاد فرهنگ ۱,۴ است.

میانگین نمره شاخص حاکمیت قانون در کشورهای توسعه یافته ۱,۳۳، در کشورهای رشد یافته ۰,۰۶ و در ایران ۰,۸۸- می باشد. میانگین شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت در کشورهای توسعه یافته ۰,۶۳، در کشورهای رشد یافته ۰,۲۷- و در ایران ۱,۲۵- می باشد. در شاخص کیفیت تنظیم کنندگی میانگین کشورهای رشد یافته ۰,۲۳، کشورهای توسعه یافته ۱,۳۰ و ایران با فاصله از کشورهای توسعه یافته دارای نمره ۱,۴۴- می باشد. در شاخص کنترل فساد نیز میانگین کشورهای توسعه یافته ۱,۳۵، رشد یافته ۰,۰۶- و نمره ایران ۰,۸۱- است. لازم به ذکر است که تفاوت میانگین ها نیز از میزان قابل قبولی از سطح معناداری برخوردار است. در جدول ذیل میانگین شاخص های حکمرانی خوب در کشورهای توسعه یافته و رشد یافته در اقتصاد فرهنگ و نمرات ایران ارائه شده است.

جدول ۹. شاخص های حکمرانی خوب در ایران و کشورهای توسعه یافته و رشد یافته

Table 9. Indicators of good governance in Iran and developed and grown countries

کشور	پاسخگویی	اثربخشی دولت	حاکمیت قانون	ثبات سیاسی و عدم خشونت	کیفیت تنظیم کنندگی	کنترل فساد
توسعه یافته	1	1.4	1.33	0.63	1.30	1.35
رشد یافته	-0.009	0.34	0.06	-0.27	0.23	-0.06
ایران	-1.49	-0.43	-0.88	-1.25	-1.44	0.81
آزمون F	F=6.1 Sig=0.009	F=7 Sig=0.006	F=7.1 Sig=0.006	F=7.3 Sig=0.005	F=8.3 Sig=0.003	F=7.1 Sig=0.005

نتایج مربوط به شاخص های حکمرانی در گروه رشد یافته نشان می دهد، کشورهایی وجود دارند که به عنوان کشورهای توسعه گرا شناخته می شوند نظیر چین به عنوان نمونه موفق دولت توسعه گرا (Jian-xing & De-jin, 2010; Marwala, 2006:1)، کره جنوبی، مالزی، اندونزی (Delforooz, 2020; Leftwich, 2005 Evans, 1995; Jeong, 2015)؛، برخی

کشورهای آمریکای لاتین مانند برزیل و شیلی (Williams, 2014; Kohli, 2004; Sandbrook, 2007). هم‌چنین در مطالعات اخیر نسل جدیدی از دولت‌های توسعه‌گرا شناسایی شده‌اند که آن‌ها را دولت توسعه‌گرای جدید می‌نامند (Routley, 2012)، مانند ترکیه (Delforooz, 2020; Jamshidiha: 2017; Adly, 2013; Bayar, 2010). به گفته لفت‌ویچ آن‌ها دارای دولتی هستند که در آن عرصه سیاست به گونه‌ای است که دستگاه سیاسی در مرکز، از عزم، قدرت، استقلال، توانایی و مشروعیت کافی برای شکل‌دهی، تعقیب و تشویق دست‌یابی به اهداف توسعه برخوردار بوده و به وسیله یک نظام سیاسی دموکراسی با تأکید بر انتخابات ایجاد نشده است. دموکراسی در این کشورها محدود و یا شبه دموکراسی هستند و ساخت سیاسی، متمرکز و اقتدارگراست و همین علل موجبات توسعه به‌ویژه توسعه اقتصادی آن‌ها را فراهم نموده است (Leftwich, 1998). به‌همین دلیل چنانچه مشاهده می‌گردد نمرات برخی از شاخص‌های به حکمرانی خوب در این گروه کشورها پایین است. با این وجود میان دولت‌های توسعه‌گرا حکمرانی خوب ارتباط وجود داد و استقرار حکمرانی خوب در یک کشور، منوط به حضور دولت قدرتمند و توسعه‌گراست.

رابطه شاخص حکمرانی خوب و توسعه اقتصادفرهنگ

برای تحلیل رابطه و تعیین اثر هر یک از مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر توسعه اقتصادفرهنگ از تحلیل رگرسیون دو متغیری و چند متغیری استفاده شده است. در روابط رگرسیون دو متغیری میزان همبستگی‌های مؤلفه‌های حکمرانی خوب با توسعه اقتصادفرهنگ به هم نزدیک است اما با فاصله کم مؤلفه کیفیت تنظیم‌کنندگی دارای بیشترین رابطه $r = 0.50$ با آن است. بر این اساس توسعه اقتصادفرهنگ به ازای یک واحد افزایش در کیفیت قوانین و مقررات، ۱۱٫۴ واحد افزایش می‌یابد. این مقدار برای اثربخشی دولت بیش از سایر مؤلفه‌هاست یعنی به ازای یک واحد افزایش در اثربخشی دولت، ۱۲٫۵ واحد توسعه اقتصادفرهنگ را شاهدیم. هم‌چنین مقدار بتا (۱٫۸) این شاخص نشان‌دهنده تأثیرگذاری بیشتر اثربخشی دولت بر توسعه اقتصادفرهنگ می‌باشد. همبستگی

اثر بخشی دولت و توسعه اقتصاد فرهنگ $r = 0.48$ است که رابطه‌ای نسبتاً قوی اما نسبت به کیفیت قوانین و مقررات کمتر می‌باشد.

میزان همبستگی حاکمیت قانون و توسعه اقتصاد فرهنگ نیز $r = 0.48$ ، کنترل فساد $r = 0.44$ ، پاسخگویی $r = 0.42$ و ثبات سیاسی و عدم خشونت با $r = 0.36$ می‌باشد و همه این روابط معنادار می‌باشند.

توسعه اقتصاد فرهنگ به ازای یک واحد تغییر در حاکمیت قانون 10.2 واحد، در کنترل فساد 8.3 واحد، در پاسخگویی 8.4 واحد، در ثبات سیاسی و عدم خشونت 9.5 واحد افزایش می‌یابد. در جدول ذیل تحلیل رگرسیون دو متغیری مؤلفه‌های حکمرانی خوب و توسعه اقتصاد فرهنگ ارائه شده است.

در کل شاخص حکمرانی خوب کشورها که بر اساس میانگین نمرات مؤلفه‌ها محاسبه شده است دارای همبستگی $r = 0.47$ با توسعه اقتصاد فرهنگ است. معادله ذیل نشان می‌دهد به ازای یک واحد تغییر در حکمرانی خوب 10.8 واحد توسعه اقتصاد فرهنگ افزایش می‌یابد.

$$GCI = \text{شاخص حکمرانی خوب و } ECI = \text{شاخص توسعه اقتصاد فرهنگ} \\ GCI = (10.8) + (44.1) ECI$$

جدول ۱۰. تحلیل رگرسیون دو متغیری مؤلفه‌های حکمرانی خوب با توسعه اقتصاد فرهنگ

Table 10. Two-variable regression analysis of the components of good governance with the development of economy of cultural

Sig	F	b	Beta	R ²	R	عامل مؤثر
0.002	5.5	8.4	1.5	0.18	0.42	پاسخگویی
0.001	7.6	12.5	1.8	0.23	0.48	اثر بخشی دولت
0.001	7.8	10.2	3	0.24	0.48	حاکمیت قانون
0.02	3.9	9.5	0.8	0.13	0.36	ثبات سیاسی
0.000	8.5	11.4	1.4	0.25	0.50	کیفیت تنظیم کنندگی
0.002	6	8.3	0.4	0.19	0.44	کنترل فساد
0.001	7.2	10.8	7.7	0.22	0.47	شاخص حکمرانی خوب

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی به تفکیک گروه کشورهای توسعه یافته و رشد یافته در جدول ۱۰ ارائه شده است. نتایج نشان دهنده اهمیت هر یک از اجزای حکمرانی خوب به تفکیک گروه کشورهاست. میزان همبستگی‌ها نشان می‌دهد که به طور کلی شاخص حکمرانی خوب در گروه کشورهای رشد یافته ($r=20,50$) در اقتصاد فرهنگ قوی تر از کشورهای توسعه یافته ($r=20,31$) است. هرچند علت پایین بودن همبستگی در گروه کشورهای توسعه یافته ممکن است به علت شباهت بیشتر این کشورها در شاخص‌های حکمرانی خوب و توسعه اقتصاد فرهنگ باشد.

شاخص کیفیت تنظیم کنندگی که اشاره به میزان توانمندی دولت‌ها در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات جهت گسترش نفوذ و دامنه فعالیت و مشارکت بخش‌های مختلف دارد، دارای بیشترین رابطه با توسعه اقتصاد فرهنگ در هر دو گروه کشورهای توسعه یافته ($r=20,54$) و رشد یافته ($r=20,56$) است. شاخص کیفیت تنظیم کنندگی دارای بیشترین تأثیر بر توسعه اقتصاد فرهنگ در هر دو گروه کشور توسعه یافته ($B=20,54$) و رشد یافته ($B=20,56$) می‌باشد.

در کشورهای توسعه یافته پس از شاخص کیفیت تنظیم کنندگی با فاصله شاخص‌های پاسخگویی و کنترل فساد ($r=20,29$) و پس از آن‌ها اثربخشی دولت و ثبات سیاسی ($r=20,25$) دارای بیشترین تأثیر بر توسعه اقتصاد فرهنگ می‌باشند.

در کشورهای رشد یافته پس از شاخص کیفیت تنظیم کنندگی، با فاصله خیلی کم شاخص حاکمیت قانون دارای بیشترین رابطه ($r=20,55$) با توسعه اقتصاد فرهنگ و پس از آن پاسخگویی و اثربخشی دولت ($r=20,49$) و کنترل فساد ($r=20,45$) قرار دارند. شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت رابطه ضعیفی با توسعه اقتصاد فرهنگ در کشورهای رشد یافته دارد که طبق توضیحاتی که داده شد، اغلب کشورهای رشد یافته دارای دولت‌های توسعه گرا هستند.

جدول ۱۱. مقایسه تحلیل رگرسیون شاخص حکمرانی خوب و توسعه اقتصاد فرهنگ در کشورهای توسعه یافته و رشد یافته

Table 11. Comparison of regression analysis of good governance index and development of economy of culture in developed and grown countries

عامل مؤثر / کشورها	R		R ²		Beta		b		Sig
	توسعه یافته	رشد یافته	توسعه یافته	رشد یافته	توسعه یافته	رشد یافته	توسعه یافته	رشد یافته	توسعه یافته
پاسخگویی	0.29	0.49	0.084	0.24	0.3	0.49	3.3	9.2	0.04
اثر بخشی دولت	0.25	0.49	0.067	0.24	0.25	0.5	4.9	10	0.04
حاکمیت قانون	0.20	0.55	0.042	0.30	0.20	0.52	2.9	9.7	0.05
ثبات سیاسی	0.25	0.08	0.066	0.008	0.25	0.08	4.4	1.7	0.04
کیفیت تنظیم - کنندگی	0.54	0.56	0.30	0.32	0.54	0.56	11.4	10.1	0.01
کنترل فساد	0.29	0.45	0.86	0.20	0.3	0.45	3.8	7.6	0.04
شاخص حکمرانی خوب	0.31	0.50	0.097	0.25	0.31	0.5	5	10.7	0.03

همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندمتغیری به طور کلی در همه کشورها، نشان می‌دهد که فقط مؤلفه کیفیت قوانین و مقررات وارد معادله رگرسیون شده است. معادله رگرسیونی که با روش گام به گام محاسبه شده به شرح زیر می‌باشد:

$$ECI = (42) + (11.4) RQ \quad (RQ = \text{کیفیت تنظیم کنندگی})$$

مؤلفه کیفیت تنظیم کنندگی دارای بیشترین همبستگی (۰,۵۰) با معناداری قابل قبول با توسعه اقتصاد فرهنگ است. این نتیجه نشان می‌دهد که با افزایش کیفیت تنظیم کنندگی در جامعه توسط دولت زمینه تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی و کسب درآمد از آنها فراهم می‌گردد.

در جدول ذیل ارقام مربوط به تحلیل رگرسیونی چندمتغیری و مؤلفه وارد شده در معادله ارائه شده است.

جدول ۱۲. تحلیل رگرسیون چند متغیری مؤلفه‌های حکمرانی خوب با توسعه اقتصادفرهنگ

Table 12. Multivariate regression analysis of the components of good governance with the development of economy of culture

عامل مؤثر	R	R ²	Adjusted R ²	Beta	B	F	Sig
کیفیت تنظیم‌کنندگی	۰,۵۰	۰,۲۵	۰,۲۲	۰,۵۰	۱۱,۴	۸,۵	۰,۰۰۰

هم‌چنین با بیرون گذاشتن متغیر کیفیت تنظیم‌کنندگی در معادله رگرسیونی، مؤلفه اثربخشی دولت ($b=12,5$) و پس از آن حاکمیت قانون با مقدار ($b=10,2$) وارد می‌شود که نشان‌دهنده اهمیت و اثرگذاری این مؤلفه‌ها و به‌معنای دیگر حضور دولت بر توسعه اقتصادفرهنگ می‌باشد.

قابل ذکر است که این معادله ۰,۲۵ درصد تغییرات توسعه اقتصادفرهنگ را تبیین می‌کند و مابقی تغییرات آن با عوامل دیگری غیر از مؤلفه‌های حکمرانی خوب قابل تبیین می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در دو دهه اخیر، رویکرد غالب در توسعه این بوده است که مسیر رشد، چه در سطح خرد و چه کلان برای کشورها، از تولید و تمرکز بر صنایع با ارزش افزوده بالا می‌گذرد. به‌این ترتیب عصر اقتصاد خام فروشی و تک‌محصولی مدت‌هاست که سپری شده و کشورهای دارای اقتصاد دانش‌بنیان، پژوهش‌ها، حمایت‌ها، سرمایه‌ها و کسب‌وکارهای خود را به سمت صنایع با ارزش افزوده بالا سوق می‌دهند. بیش از نیم‌قرن است که کشورهای توسعه‌یافته و حتی کشورهایی که در مسیر توسعه قرار گرفته بودند، دریافته‌اند که یکی از مهم‌ترین صنایع با ارزش افزوده بالا، صنایع فرهنگی است. صنعت فرهنگ که تولید ثروت اقتصادی از طریق تولید و توزیع و ازدیاد مصرف کالاهای فرهنگی را در بر می‌گیرد مفهوم مرکزی اقتصادفرهنگ است. امروزه دارایی‌های فرهنگی ملی اعم از آثار،

محصولات و میراث فرهنگی به عنوان قدرت جایگزین در اقتصاد سیاسی کشورها شناخته می‌شود. بر این اساس دولت‌ها به اشکال مختلف و بر مبنای نظام اقتصادی و سیاسی تعریف شده، از این صنایع جهت رشد اقتصاد ملی از یکسو که هدف مهم اولیه است و از سوی دیگر نفوذ فرهنگی در جوامع دیگر به عنوان هدف ثانویه سود جسته‌اند.

مرور رویکردهای نظری نقش دولت در اقتصاد، توسعه اقتصادی و فعالیت‌های فرهنگی که به صورت تاریخی در جوامع مختلف به وقوع پیوسته، نشان می‌دهد که به تناسب زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، میزان و چگونگی نقش دولت‌ها در این حوزه متفاوت است. این روند نشان می‌دهد، با وجود فراز و نشیب‌های نقش دولت در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، امروزه رویکرد غالب درباره نقش دولت در اقتصاد و فرهنگ، با وجود عواملی نظیر جهانی یا فراملی شدن و تأثیرات آن و همچنین رویکردهای تکثرگرایی نسبت به حاکمیت، همچنان دولت به عنوان یک نهاد مهم و تأثیرگذار در کنار بازار که از اساسی‌ترین عناصر در اقتصاد و توسعه و به تبع آن اقتصاد فرهنگ می‌باشد، به قوت خود پابرجاست. در رویکردهای نظری اخیر، دولت در نقش جدیدتری ظاهر می‌شود و عملکرد آن مبتنی بر الگویی است که در آن ضمن تأکید بر جنبه‌های کارایی و اثربخشی که در رویکردهای دولت‌های توسعه‌گرا مطرح بود، بر جنبه‌های دموکراتیک و ارزش‌های دموکراسی نیز توجه داشته باشد. در این الگو دولت به عنوان دولت تسهیل‌گر شناخته می‌شود و با ایجاد شرایط مساعد اقتصادی، حقوقی و سیاسی و تسهیل مشارکت و فعالیت جامعه مدنی و بخش خصوصی و در کل نیروهای اجتماعی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و توزیع قدرت و ثبات ائتلاف‌ها، فضا را برای رشد و توسعه فراهم می‌کند. در آخرین نسخه‌های تئوریک و عملیاتی نقش دولت-حکمرانی خوب- دولت در اداره جامعه دارای شرکایی است نظیر شهروندان، جامعه مدنی، سازمان‌های غیرانتفاعی و حتی شخصیت‌های مذهبی و غیره. بر این اساس می‌توان گفت سیاست‌گذاری و برنامه-ریزی در فرایند تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی از شناخته شده‌ترین و مهم-ترین وظایف دولت‌ها در سطح جهان و از آن به عنوان محور اصلی در توسعه فرهنگی

جوامع یاد می‌شود. باین وجود طبق رویکردهای جدید به نقش دولت، نقش آفرینی دولت در اقتصاد فرهنگ نیازمند شاخصه‌هایی است تا از این طریق فرایند توسعه تسهیل گردد. یکی از مهم‌ترین این شاخصه‌ها که مبتنی بر وجود زیرساخت‌های نهادی است، شاخص‌های ترکیبی حکمرانی خوب می‌باشد. هرچند این شاخص‌ها مانند بسیاری از شاخص‌های جهانی دارای نقصان‌های روش‌شناختی است و نقدهایی نیز به اهداف سیاسی تدوین‌کنندگان آن‌ها وارد است، اما باین وجود، بررسی این شاخص‌ها و تأثیر آن بر توسعه اقتصاد فرهنگ و توجه به وضعیت ایران از طریق آن‌ها، می‌تواند گام مؤثری در راستای شناخت وضع موجود باشد.

در این مطالعه به مقایسه شاخص‌های توسعه اقتصاد فرهنگ که شامل درآمد مهم‌ترین صنایع فرهنگی (فیلم، موسیقی، کتاب و بازی دیجیتال)، سهم صنایع فرهنگی در تولید ناخالص ملی، نیروی انسانی بخش فرهنگ (درصد شاغلین و فارغ‌التحصیلان فرهنگ و هنر) و تجارت صنایع فرهنگی (صادرات و واردات) می‌باشد در ایران، کشورهای توسعه‌یافته و رشدیافته منتخب در این حوزه پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که شاخص اقتصاد فرهنگ ایران در فاصله زیادی با کشورهای توسعه‌یافته و حتی رشدیافته که شامل کشورهای شرق آسیا، آمریکای جنوبی و ترکیه می‌باشند، قرار دارد که معرف ضعف در شاخص‌های اقتصاد فرهنگ می‌باشد. در مجموع ایران حدود ۶ درصد کشورهای توسعه‌یافته و ۲۰ درصد کشورهای رشدیافته درآمد دارد و فاصله زیاد با آن‌ها، توسعه‌نیافتگی اقتصاد فرهنگ ایران را نشان می‌دهد.

شاخص حکمرانی خوب نیز از جمله شاخص ارزیابی عملکرد دولت‌هاست که در این مطالعه با تمرکز بر آن به‌عنوان ویژگی مهم دولت‌ها در اداره جوامع در ابعاد مختلف، به بررسی رابطه آن با توسعه اقتصاد فرهنگ کشورها پرداخته شده است. همان‌طور که در مبانی نظری نیز ذکر شد، حکمرانی خوب در ارتباط با نقش آفرینی دولت‌ها، از عوامل مهم و مؤثر بر توسعه جوامع در ابعاد مختلف به‌ویژه در حوزه اقتصاد و فرهنگ می‌باشد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که شاخص‌های حکمرانی خوب در کشورهای توسعه‌یافته در

اقتصادفرهنگ، در وضعیت مناسب‌تری قرار دارد. مقایسه میانگین شاخص‌های حکمرانی خوب در میان گروه کشورها نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته در اقتصادفرهنگ دارای الگوی رشد متعادل‌تری نسبت به کشورهای رشدیافته دارند و ایران در مقایسه با آن‌ها از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. مقایسه میانگین‌ها هم نشان می‌دهد که میان حکمرانی خوب و توسعه‌یافتگی در اقتصادفرهنگ رابطه معناداری وجود دارد. به‌طور کلی شاخص‌های حکمرانی خوب رابطه مستقیم، مثبت و معناداری با توسعه اقتصادفرهنگ دارند، بیشترین رابطه را با توسعه اقتصادفرهنگ کیفیت تنظیم‌کنندگی، اثربخشی دولت و حاکمیت قانون برخوردار بوده و در کل ۲۵ درصد از تغییرات توسعه اقتصادفرهنگ را تبیین می‌کنند. این نتایج نشان می‌دهد که دولت‌ها در زمینه سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و اجرای آن‌ها به‌صورت کارآمد و هم‌چنین عمل به قوانین و سیاست‌ها و حاکمیت قوانین نقش مهمی در توسعه و توسعه اقتصادفرهنگ دارا می‌باشند.

هم‌چنین در تحلیل رگرسیون چندمتغیری نیز شاخص کیفیت قوانین و مقررات یا تنظیم‌کنندگی وارد معادله شده رگرسیون شده است. این به معنای اهمیت و تعیین‌کنندگی این مؤلفه در نقش‌آفرینی دولت‌ها در توسعه اقتصادفرهنگ است. شاخص کیفیت قوانین و مقررات یا تنظیم‌کنندگی به توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی که باعث گسترش بخش‌های دیگر جامعه اعم از بخش خصوصی و جامعه مدنی و دامنه فعالیت آن‌ها در اقتصادفرهنگ یعنی تولید و توزیع صنایع فرهنگی به‌ویژه بخش تولید و عوامل آن اشاره دارد. از این طریق دولت می‌تواند موجبات توسعه فعالیت‌های بخش‌های دیگر جامعه را فراهم نموده و نقش و میزان دخالت خود را محدودتر نماید و زمینه اثرگذاری کارای بخش‌های دیگر را فراهم نماید. چنانچه پس از شاخص پاسخگویی، کمترین نمره ایران در میان شاخص‌های حکمرانی خوب متعلق به کیفیت تنظیم‌کنندگی می‌باشد. این موضوع لزوم توجه و پرداختن دولت به این مؤلفه در سیاست‌گذاری و اجرا را در این بحث می‌رساند.

تشکر و سپاسگزاری


با ابراز احترام و سپاس از جناب آقای دکتر محمدحسین پناهی و جناب آقای دکتر داود پرچی که از راهنمایی‌های ایشان بهره فراوان بردیم.

ORCID

Ardeshir Entezari

Fatemeh Derakhshan

 <http://orcid.org/0000-0002-8798-8511>

 <http://orcid.org/0000-0003-3929-5427>



Reference

- Abu Turabi, M. Bahrami, L. (2015). The Role of Government in the Development of Art Economics, *Art Research*, No. 9, 26-19. [In Persian]
- Adkisson, R. McFerrin, R. (2014). Culture and Good Governance: A Brief Empirical Exercise, *Journal of Economic Issues*, 48(2):441-450
- Adly, A. (2013). *State Reform and Development in the Middle East: Turkey and Egypt in the Post-Liberalization Era*, Routledge.
- Anderson, W. (2006). *Michigan's Local Government Records Management Task Force*, Michigan Dept. of History, Arts and Libraries.
- Bayar, A. (2010). The developmental state and economic policy in Turkey, *Third World Quarterly*, Volume 17, pp. 773-786.
- Bennett, T. (2001). *Differing Diversity: Cultural Policy and Cultural Diversity*, Council of Europe.
- Chang, H. (2006). *The East Asian development experience: the miracle, the crisis and the future*. London: Zed Books
- Chhotray V., Stoker, G. (2009). *Governance Theory and Practice (A Cross-Disciplinary Approach)*, UK: Palgrave Macmillan Press.
- Cultural times (2015). *The first global map of cultural and creative industries*, UNESCO.
- Dadgar, Y. (2013). *History of Economic Beliefs*, Tehran: Samat. [In Persian]
- Delfrooz, M. (2020). *Government and Economic Development: The Political Economy of Development in Iran and Developmentalist Governments*, Tehran: Agah. [In Persian]
- DiMaggio, P. Powell, W. (1991). *The New Institutionalism in Organizational Analysis*, Chicago: University of Chicago Press
- Doner, R. F., Ritchie, B. K. & Slater, D. (2005). Systematic Vulnerability and the Origins of Developmental States: Northeast and Southeast Asia in Comparative Perspective, *International Organisation*, vol. 59, pp. 327-361.
- Entezari, A. (2012). Polarization as an alternative to the concept of globalization, *Iranian Journal of Politics*, 12(30). [In Persian]
- European Union (2019). *Cultural Profile Turkey, Intercultural Competences in Vocational Training*. Transnational Strategic Partnership Training. Transnational Strategic Partnership Strategic Partnership.
- Evans, P. (1995). *Embedded autonomy: State and industrial transformation*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Evans, P. (2003). *Development or plunder*, translated by Abbas Zandbaf and Abbas Mokhber, Tehran: Tarh-e No Publications. [In Persian]
- Fitz Patrick, T. (2006). *New Welfare Theories*, translated by Hormoz Homayounpour, Tehran: Higher Institute for Social Security Research. [In Persian]

- Gay, P. Pryke, M. (2002). *Cultural Economy: Cultural Analysis and Commercial Life*, London: SAGE Publication
- Ghaffari, M. Igdar, A. (2017). Developmental government; Prerequisites for Good Governance, *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 10 (1), 124-103. [In Persian]
- Ghaffari, M. Radmard, M. (2017). Institutionalism in development and why the Pahlavi regime fell, *Journal of Politics*, 47 (4): 969-988. [In Persian]
- Ginsburgh, V. (2000). *The Economics of Art and Culture*., Published In N. Smelser and P. Baltes, eds., *International Encyclopedia of the Social and Behavioural Sciences*, Amsterdam: Elsevier.
- Guga, A. (2015). *Good Governance, A key Drive to Sustainable Development in Nigeria*, *International Journal of Education and Research*.
- Heidari, M. Moghadam, V. (2016). Implications of the New Institutional Economics for Prescribing the Optimal Government in the Islamic-Iranian Model of Progress, *Journal of Regional Economics and Development*, No. 12, 169-152. [In Persian]
- Held, D. McGrew, A. (2007). *Globalization / Anti-Globalization: Beyond the Great Divide*, Polity Press.
- Jahanian, M. (2016). The role of government in the development of Iran's tourism economy with a focus on the resistance economy, *Quarterly Journal of Tourism and Development*, 5 (9), 156-177. [In Persian]
- Jamshidiha, G. Teymouri, R. (2017). Historical trend of the emergence of the developmentalist government in Iran with emphasis on the period after the imposed war, *Journal of Social Sciences*, No. 1: 155-113. [In Persian]
- Jeong, B. (2015). The developmental state and social enterprise in South Korea: A historical institutionalism perspective, *Social Enterprise Journal*, 11(2), pp.116-137.
- Jian-xing, Y. & De-jin, S. (2010). The Developmental State and Beyond: The Case of China, *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences*, 3(4), 42-66.
- Karmik, A. (1997). Theories of State Intervention, *Journal of university of Mumbai*, Vol 54, no 1, p.93-113.
- Kaufman, D. Kraay, A. (2020). *Global Economy and Development at Brookings*, *worldbank*: <https://info.worldbank.org/governance/wgi/>
- Kaufmann, D. Vishwanath, T. (2008). Toward Transparency: New Approaches and Their Application to Financial Markets, *World Bank Research Observer*, 16(1).
- Kohli, A. (2004). *State-directed development: Political power and industrialization in the global periphery*, Cambridge, England: Cambridge University Press.

- Lee, H. Lim, L. (2016). *Cultural Policies in East Asia: Dynamics between the State, Arts and Creative Industries*, Palgrave Macmillan UK.
- Leftwich, A. (1998). *Forms of the Democratic Developmental State: Democratic Practices and Development Capacity*, in *The democratic developmental state: politics and institutional design* / edited by Mark Robinson and Gordon White, New York: Oxford University Press.
- Leftwich, A. (2005). *Politics and Development in the Third World*, translated by Alireza Khosravi and Mehdi Mir Mohammadi, Tehran: Abrar Institute for Contemporary International Studies and Research. [In Persian]
- Leftwich, A. (2006). *Changing Configurations of the Developmental State*, in *Ahmed Shafiqul Huque and Habib Zafarullah* (Eds), *International Development Governance*, and CRC Press.
- Marwala, T., (2006). *Foundations for a Developmental State: A case for technical education* Xiv:0907.2019v1 available on: <http://arxiv.org/ftp/arxiv/papers/0907/0907.2019.pdf>
- Masoudinia, Z. Rashidpour, A. and Ebrahimzadeh, R. (2018). Effective Strategies on Strengthening the Structure of Iran's Cultural Economy, *Journal of Socio-Cultural Strategy*, No. 27. [In Persian]
- Mira, R. Hammadache, A. (2017). *Relationship between good governance and economic growth: A contribution to the institutional debate about state failure in developing countries*, CEPN Working Papers 2017-12, Centre d'Economie de l'Université de Paris Nord.
- Mosaei, M. (2014). *Economics for Social Sciences*, Tehran: Sociologists. [In Persian]
- Naderan, E. (2002). *The role of government in liberal schools, a collection of articles on the role of government in economics*, Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- Naqib Sadat, R. (2009). Economics of Culture and Cultural Industries, *Journal of Social Science Month Book*, No. 16. [In Persian]
- North, D. (2006). *Institutions, Institutional Changes and Economic Performance*, translated by Mohammad Reza Moeini, Tehran: Program and Budget Organization. [In Persian]
- North, D. et al. (2006). A Conceptual Framework for the Interpretation of Written Human History, translated by Jafar Khairkhahan, *Journal of Political Economy*, No. 3. [In Persian]
- Pag, P. (2007). *Keynes (first step)*, Translator by Ali Moazami Jahromi, Tehran: Shirazeh. [In Persian]
- Palgrave, P. (2006). *Critical Theories of Globalization*. 134 176 Hayden, Patrick.
- Panahi, M. (2015). Cultural Development the Necessity of Economic, Social and Political Development, *Quarterly Journal of Welfare Planning and*

- Social Development*, 7 (22): 1-23. [In Persian]
- Parchami, D., Derakhshan, F. (2019). A Comparative Study of the Relationship between the Development of Economics of Culture and Order in Society, *Iranian Journal of Social Sciences*, 26(86): pp. 1-40. [In Persian]
- Parkin, M., Powell, M. and Matthews, K. (2014). *Economics*, London: Addison, Wesley Longman.
- Peterson, R. A. & Anand, N. (2004). The Production of Culture Perspective, *Annual Review of Sociology*, 30: 311-34.
- Ragin, Ch. (2009). *The Comparative Method Moving Beyond Qualitative and Quantitative Strategies*. Translated by Mohammad Fazeli. Tehran: Agah. [In Persian]
- Rashidpour, A. (2014). *Cultural Economy and Globalization: Concepts and Theories*, Tehran: National Center for Globalization. [In Persian]
- Routley, L. (2012). *Developmental states: A review of the literature*, ESID Working Paper No. 03.
- Sandbrook, R. (2007). *Social democracy in the global periphery*, Cambridge: England: Cambridge University Press.
- Schneider, W. Gad, D. (2018). *Good Governance for Cultural Policy: An African-European Research about Arts and Development*, Wolfgang Schneider.
- Shapiro, J. (2012). *Liberalism: its meaning and history*, translated by Mohammad Saeed Hanaei Kashani, Tehran: Markaz. [In Persian]
- Smelser, N. (2003). On Comparative Analysis, Interdisciplinarity and Internationalization in Sociology, *International Sociology*, 18(4): 643-657.
- Smith, A. (1776). *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, London: W. Strahan.
- Throsby, D. (2000). Production and consumption of cultural and artistic products / a look at the economics of culture, translated into Persian by Ali Azam Mohammadbeigi, *Iranian Journal of Research Letter*, Nos. 16 and 17. [In Persian]
- Throsby, D. (2015). *The Economics of Cultural Policy*, translated into Persian by Soosan Alaei, Tehran: Sooremehr. Publication. [In Persian]
- Towse, R. (2014). *A Handbook of Cultural Economics*, translated into Persian by Ali A. Farhangi and others, Tehran: Danjeh Publication. [In Persian]
- UNCTAD (2018). *Creative Economy Outlook Trends in international trade in creative industries*, United Nations.
- UNESCAP (2009). *What is Good Governance*, Economic and Social Commission for Asia and the
- UNESCO-UIS (2012). *Measuring the Economic Contribution of cultural Industries*, UNESCO Institute for Statistics

- Vahid, M. (2003). *From policy-making culture to cultural policy-making*. Tehran: Open. [In Persian]
- Williams, M. (2014). *The End of the Developmental State?* New York: Routledge.
- World Bank (2020). *Description of methodology of The Worldwide Governance Indicators (WGI) project*: <https://info.worldbank.org/governance/wgi/Home/Documents>
- World Bank, (1992). *Governance and Development*: <http://documents1.worldbank.org/curated/en/711471468765285964/pdf/multi0page.pdf>
- World Intellectual Property Organization (WIPO) (2018). World Intellectual Property Indicators.
- Zlenko, Nataliia (2020). Socio-Cultural Development and Cultural Policy of Ukraine: Experience of Formation and Implementation, *Three Seas Economic Journal*, 1(4), 4-8.

Database:

- Games, Esports, and Mobile Market Research and Data, Newzoo, 2019: <https://newzoo.com/>
- Global music report (IFPI) 2020, <https://www.ifpi.org>
- Glossary of UNESCO Institute for Statistics: <http://uis.unesco.org>
- Motion Picture Association of America (2018): <https://www.motionpictures.org/>
- National Bureau of Statistics of China (2018): <http://www.stats.gov.cn/english/>
- The Globalisation of Cultural Trade(2015): <http://uis.unesco.org>
- UNESCO Atlas (2019). Interactive Atlas of the World's Languages in Danger: <http://www.unesco.org/languages-atlas/index.php>

استناد به این مقاله: انتظاری، اردشیر، درخشان، فاطمه. (۱۴۰۰). حکمرانی و توسعه اقتصاد فرهنگ؛ مقایسه ایران و کشورهای پیشرفته، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۸(۹۳)، ۳۵-۸۳.

DOI: 10.22054/QJSS.2021.62302.2416



Social sciences is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی